

رادیو مشهد

بخش زنده ۲۴ ساعته برنامه های مسیحی
در خدمت فارسی زبانان عزیز
www.radiomojdeh.com

ماهواره

هات برد ۶ در ۱۳ درجه شرقی
کانال: ایکس بی ۱۳۰
فرکانس: ۱۱۱۱۶

عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف.ای.سی: ۳/۴

Hotbird 6 at 13 East

Channel: XP130

Frequency: 11116

Vertical

Symbol Rate: 27500

FEC: 3/4



هر چهارشنبه و پنجشنبه

در تلویزیون محبت

آدرس اینترنتی:

www.SimaMasih.com

www.Mohabat.tv

ماهنامه تبدیل

اگر مایل هستید که ماهنامه تبدیل را بطور مرتب و ماهانه دریافت کنید با دفتر ما تماس بگیرید (۱۵۲۵-۵۲۲) (۸۱۸)

سال سوم، شماره ۲۵، نوامبر ۲۰۰۷

EXPERT ONE INSURANCE AGENCY

AUTO. HOME. LIFE. HEALTH. BOAT. PET. COMMERCIAL. BOND. BUSINESS
VEHICLE REGISTRATION

Tel: 818. 887. 2300

Cell: 818. 402. 8212

Fax: 818. 887. 2311

Toll-free: 877. 786. 6777

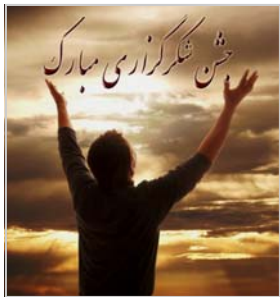
BehnazGhiasi@hotmail.com www.expertoneins.com

6007 1/2 FALLBROOK AVE. WOODLAND HILLS, CA 91367



Behnaz Ghiasi

President
Lic. # 0E04310



ماهنامه تبدیل در خدمت جامعه فارسی زبان

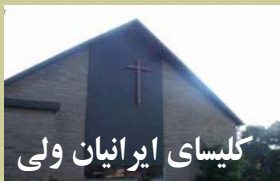


دعانویس کلاهبردار، دهها نفر را فریب داد

مرد ۷۰ ساله ای به نام کرم با سوء استفاده از احساسی مذهبی مردم اصفهان و به بهانه دعانویسی، دهها نفر را سر کبسه کرد. وی سرانجام با تلاش پلیس این شهر دستگیر شد و وقتی دید هیچ راهی برای گریز از قانون ندارد به ناچار لب به اعتراف گشود. پیش از ۴۰ سال بود که خیاطی میکرد اما یکدفعه کارم کساد شد و دیگر مشتری نداشت. کرم افزود: ورشکست شده بودم و شاگردانم هم حقوق زیاد میخواستند که از عهده آن بر نمیآیدم. به همین خاطر چند کتاب خریدم و دعانویس شدم. اولین بار زن و شوهری که دعوا داشتند را آشتی دادم و همین مرا مطمئن کرد که توانایی این کار را دارم و میتوانم گره گشای مشکلات باشم. کلاهبردار اضافه کرد من دعا مینوشتم و آتش زندگیا سرد میشد. دعای نجومی به مردم میدادم، چیزهایی روی بشقاب چینی با زعفران مینوشتم و بعد آب میزدم و میدادم به مشتریام تا بخورند. بابت این کار فقط چهار هزار تومان، دستمزد می رفتم و اگر مشکل برطرف نمیشد بلافاصله پول را برمیگرداندم. وی در پاسخ این سوال باز پرس که چرا مشکل خود را حل نمیکنی؟ گفت: من نمیتوانم مشکل خودم را حل کنم ولی با شکستن طلسم، برخی ناراحتیهای مردم را حل کردم؛ مسایلی مثل، عصبانیت، بیکاری و دلهره و گره گشایی از کسب و کار مردم. باز پرس دادسرای جنایی اصفهان با شنیدن ادعاهای مرد تبهکار او را با قرار قانونی روانه زندان کرد و به کار آگاهان دستور داد به تحقیقهای جامع خودنا دامه دهند. یک پژوهشگر اصفهانی در این باره گفت: تصور کنید کسی نتواند کاری برای خود و نزدیکانش انجام دهد اما مدعی شود در گشودن گره زندگی مردم، موفق است؛ آن هم بدون داشتن دانش لازم و فقط با طلسم! سید ضیا الدین فایق افزود در سالان اخیر، خرافات در جامعه به شدت رواج یافته و نمونه های متعدد فریب، کلاهبرداری، تعرض به عفت و حتی آدمشکنی را با سوء استفاده از احساس مذهبی مردم شاهد بوده ایم پس خانواده ها و به ویژه بانوان، هوشیار باشند و به هیچ عنوان زندگی و آینده خود و اطرافیشان را به واسطه تبهکاران مقدس نما تباه نکنند. وی تاکید کرد: رفتن به خانه یا مکانهایی که فالگیران، دعانویسان و... معرفی میکنند و همچنین توجه به راهنماییهای آنان، بی شک گامی در مسیر فروپاشی خانواده است. یک جادوگر شیطان صفت که دست کم ۶۰ زن و دختر را در ورامین و قم با ترفند نوشتن نسخه شبابخش فریب داد و آنان را به روز سیاه نشاند در همین شهر با حکم قانون، اعدام شد.

اعدام پسر ۱۵ ساله در افغانستان

کسانی که خود را عضو گروه طالبان معرفی میکردند در تماس با رسانه های افغانستان گفتند یک نوجوان را در ولسوالی سنگین ولایت هلمند اعدام کردند و جنازه اش را در خیابان گذاشتند. پلیس افغان و شاهدان عینی، این ماجرا را تایید کرده اند. گفته میشود قربانی ۱۵ ساله هیچ ارتباطی با ارگانهای دولتی یا نیروهای آمریکایی نداشته است. طالبان، پیشتر نیز چندین بار، زنان و کودکان را به اتهام آنچه جاسوسی برای نیروهای خارجی عنوان کرد، به دار آویخت. سال گذشته، مقامهای قضایی افغان، طالبان را متهم به کشتن یک زن ۷۰ ساله و فرزند خردسالش با شلیک گلوله و آویزان کردن جنازه های آنها از درخت کردند. طالبان اما دست داشتن در این جنایتها را رد کرد. زمان حکامیت این گروه برفغانستان، اعدام و سنگسار کسانی که در دادگاه طالبان محکوم میشدند از روشهای معمول مجازات بود. این گروه همچنین دست و پا بای کسانی را که متهم به دزدی بودند، قطع و در پایه یا بدنه درختان آویزان میکرد تا مردم ببینند. این روش پس از فروپاشی رژیم طالبان، در جاهاییکه از تسلط بیشتری در آن برخوردار مانده به شکلی ادامه یافته است.



کلیسای ایرانیان ولی

شما را دعوت میکنیم تا هر یکشنبه ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر در جلسات عبادتی این کلیسا که شامل پرستش خداوند و شنیدن بیانات کتاب مقدس میباشد، شرکت فرمایید.

10210 Canoga Ave.
Chatsworth, CA 91311

تلفن تماس: ۸۱۸-۸۳۲-۰۹۴۳



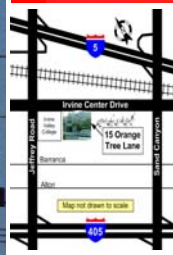
ERIC HAIRAPETIAN

The Real Estate Consultant You Can Count On!

CALL ERIC: 818.425.7921

With over 10 years experience
Commercial and Residential Real Estate

با سپاسگزاری در دلهای
خود زبور و تسبیحات و
سرودهای روحانی
برای خدا بخوانید
کتابین قرآن مجید



تلفن اطلاعات: ۱-۲۰۲-۸۳۱ (۹۴۹)
از کلیه همزبانان گرامی دعوت می شود تا در جلسات عبادتی کلیسای فارسی زبان اروین که هر یکشنبه ساعت ۶ عصر برقرار میباشد، شرکت نمایند
15 Orange Tree Lane
Irvine, CA 92620
Info@IRANforCHRIST.com



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

ضرر تنهایی برای سلامت



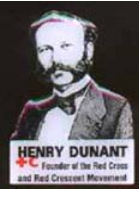
روانپزشکان امریکایی هشدار دادند، تنهایی برای سلامت افراد زیانبار است. در این پژوهش محققان دانشگاه شیکاگو با بررسی افراد ۵۰ تا ۶۸ ساله دریافتند، گرچه میزان وقایع استرس زادر افراد تنها، مساوی دیگر افراد این رده سنی معرفی شده بود اما در افراد تنها فشار روانی مزمن و به یاد آوری وقایع ناراحت کننده دوران خردسالی بیشتر مشاهده میشد. در مواجهه با مشکلات مشابه، افراد تنها در مانده تر ظاهر میشوند. در این پژوهش همچنین محققان با مشاهده دو گروه افراد تنها و دیگر افراد دریافتند میزان هورمون اپیفرین بدن افراد تنها بیشتر بوده و روندییری نیز در این افراد بیشتر دیده میشد. البته محققان بیان کردند، برخی افراد تنهایی را دوست داشته و بعضی نیز حتی به تنهایی بعنوان شیوه حائز اهمیت برای رشد معنوی اشاره میکنند.

تأسیس سازمان صلیب سرخ

در جریان کنفرانس ژنو تأسیس میشود. سازمان صلیب سرخ در جریان دو جنگ جهانی اول و دوم در قرن نوزدهم کارایی خود را برای امداد به مجروحان، ثبت نام سربازان، اسیران، پاندهگان و قربانیان نشان داده و مسوولیت رساندن نامه های سربازان و توزیع کالاها امدادی را به عهده میگیرد.



۲۴۴ سال پیش در روز ۱۲۹ اکتبر سال ۱۸۶۳ میلادی، سازمان صلیب سرخ به همت "هنری دونان" و در جریان کنفرانس بین المللی ژنو تأسیس شد. تأسیس اول و دوم در قرن نوزدهم کارایی خود را برای امداد به مجروحان، ثبت نام سربازان، اسیران، پاندهگان و قربانیان نشان داده و مسوولیت رساندن نامه های سربازان و توزیع کالاها امدادی را به عهده میگیرد.



سال ۱۸۵۹ میلادی در حوالی سولفرینویک روستاد شمال ایتالیا، هنری بازرگان جوان اهل ژنو شاهد نبرد خونینی میان نیروهای ارتش اتریش و ارتشهای متحد فرانسه و ایتالیا بود. او شاهد بود که در این نبرد هزاران مجروح بدون آنکه کمکی به آنها بشود دجان خود را از دست دادند، در حالیکه، اگر خدمات بهداشتی موثری وجود داشت، اغلب آنها زنده میماندند. در سال ۱۸۶۲ میلادی دونان اثر مشهور خود یک خاطره از سولفرینورا منتشر میکند و در آن پس از توصیف صحنه های وحشتناک این جنگ، پیشنهاد تأسیس سازمانهای امداد رسانی برای مراقبت از مجروحان جنگی را در تمام کشورهای جهان در هنگام جنگ میدهد. در عین حال دونان پیشنهاد تصویب یک پیمان بین المللی را میدهد که حمایت از این سازمانهای امداد رسانی بهداشتی و مجروحان از سوی طرفین متخاصم به رسمیت شناخته شود. در جریان کنفرانس بین المللی ژنو که از روز ۲۶ تا ۲۹ اکتبر سال ۱۸۶۳ با حضور ۳۴ نماینده از ۱۶ کشور جهان تشکیل شد، در روز پایانی این کنفرانس، روز ۲۹ اکتبر، شرکت کنندگان با تأسیس یک کمیته بین المللی امداد رسانی نظامیان مجروح موافقت میکنند. بعنوان نشانه یک صلیب سرخ رنگ بر زمینه ای سفید که برخلاف پرچم سوییس که صلیب سفید رنگ بر زمینه ای سرخ است، انتخاب میشود. در سال ۱۸۷۵ میلادی نام این کمیته به سازمان بین المللی صلیب سرخ تغییر مییابد. به این ترتیب، در روز ۱۲۹ اکتبر سال ۱۸۶۳ میلادی سازمان بین المللی صلیب سرخ به همت تأسیس سازمان صلیب سرخ هنری، بشردوست

جادوگران

در ۴۰ سال اخیر، علاقه شدیدی مجدده جادوگری با تمام جنبه های پوشیده شده چند گانه اش بوجود آمده است. در واقع سعی در این بوده که جادوگری بعنوان موضوعی سرگرم کننده و بی ضرر، در قالب فیلم و ادبیات به مردم نزدیک کرده شود. بطور عموم ۹۵٪ از مسیحیان عطیة تشخیص روح را بکار نرفته، تسلیم شستشوی مغزی رسانه های گروهی شده، و این جادوگری به اصطلاح شیرین کرده شده را همراه با بقیة ملت فریب خورده، قبول کرده اند. آنها کمتر توجه به بسیاری از هشدارهای آمده در کتاب مقدس میکنند، آنجا که گفته شده نباید دری را برای شیطان باز گذاشت، زیرا مانند شیری غران در گردش است تا انسان را ببلعد. عیسی به پطرس میگوید: ای شمعون، ای شمعون، شیطان اجازه نخواست شما را همچون



گندم غریبال کند. لوقا ۲۲:۳۱، و دقیقاً اینکار را شیطان خواهد کرد، اگر ما بی فکر و بدون اندیشه بعضی کتابها را بخوانیم، و فیلمهای بخصوصی را نگاه کنیم، یا وارد هر رابطه ای بشویم، یا هر کار دیگری بکنیم. بدون اینکه این را سؤال کنیم اگر عیسی بود چه میکرد؟ جادوگری شامل شستشوی مغزی توسط سردار دیوهابا بکارگیری و صدا زدن کلمه ای جادویی میباشد. جادوگری همچنین میتواند توسط گفتگو با روحهای تاریکی را شامل شود، که نقش مرده ای را بر میدارد، روحهای فامیل. کتاب مقدس واضح و روشن تعلیم میدهد، که مردگان با افرادی که زنده هستند میتوانند گفتگو کنند، زیرا پرتگاه بزرگی وجود دارد، که زندگان را از مردگان جدا میکند. لوقا ۱۶:۲۶. روح بدون جسم فعالیتهای دیوهای انسانی را میشناسد و توانایی بدون مرز دارند که آینده را پیشگویی کنند.

۱۵۴ دارد...

سرمقاله



درودهای گرم خود را از جنوب کالیفرنیا خدمتتان تقدیم میدارم. ماه اکتبر بسیار ماه عجیب و غریبی بود. پر از فراز و نشیب، هم اتفاقات خوش و هم رویدادهای تأسف برانگیزی رخ داد. اتفاقاتی که همه حکایت از روزهای آخر دنیا میکنند. چنانکه مسیح در اناجیل موکداً فرمودند که یکی از علائم روزهای آخر خبرهای ناگوار خواهد بود. سؤال من از شما عزیزان اینست که آیا برای بازگشت عیسی مسیح خود را آماده میکنیم؟

همچنین ماه نوامبر برای ما دست اندر کاران ماهنامه تبدیل بسیار خوشایند است. چرا که این روزها تبدیل، وارد سال سوم خود میشود. از همه شما وفاداران که در طی این مدت ما را یاری کرده اید، بسیار تشکر میکنیم. حقیقت اینجاست که انتشار یک ماهنامه، آن هم در غربت کار آسانی نیست. در طی تمام این مدت از فراز و نشیبهای بسیاری عبور کردیم. اما هر بار تشویقهای شما ما را دلگرم کرده است. باشد که در طی روزهای آتی و سال آینده نیز ما را با هدایایتان، آگهیهای بازرگانی و همچنین با دریافت آبونمانه تبدیل، ما را یاری کنید. امیدواریم شماره های آینده تبدیل باعث تشویق و برکت شما شده و در راستای خدمت شما موفق بشویم. لیس آنجلس نوامبر ۲۰۰۷، النان باغستانی

ماهنامه تبدیل

The Change

مدیر مسئول: النان باغستانی

ویراستار: ع. راد

ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح

Tabdil@IRANforCHRIST.com
www.IRANforChrist.com

TEL: 818. 522. 1525

Iran for Christ Ministries

P. O. Box 371043 Reseda
CA, 91337 USA

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهیها را چاپ کرده و یا رد کند.
We have the right to refuse publishing.



کلیسای ایرانیان راه عیسا مسیح

برنامه نیایش و تدریس کتاب مقدس
چهارشنبه ها ساعت ۷ بعد از ظهر
و یکشنبه ها ساعت ۱۲ ظهر
کلیسای باپتست دوم، هوستون، تگزاس
تلفن اطلاعات: ۶۰۸۵ - ۴۱۰ (۷۱۳)

حمایت مالی شما از ماهنامه تبدیل باعث رشد آن خواهد شد.

یادم باشد: جواب کینه را با کمتر از مهر و جواب دو رنگی را با کمتر از صداقت ندهم، یادم باشد: باید در برابر فریادها سکوت کنم و برای سیاهیها نور بیاشم، یادم باشد: از چشمه، درس خورش بگیرم و از آسمان، درس پاک زیستن، یادم باشد: سنگ خیلی تنهاست، باید با او هم لطیف رفتار کنم مبادا دل تنگش بشکند، یادم باشد: برای درس گرفتن و درس دادن به دنیا آمده ام نه برای تکرار اشتباهات گذشته یادم باشد: هر گاه ارزش زندگی یادم رفت در چشمان حیوان بی زبانی که بسوی قربانگاه میروند زل بز نم تابه مفهوم بودن بی بریم. یادم باشد: میتوان با گوش سپردن مینارد به اسرار عشق بی برد و زنده شد یادم باشد: گره تنهایی و دلتنگی هر کسی فقط به دست خودش باز میشود، یادمان باشد: هیچگاه از راستی ترسیم! یادم باشد: حرفی ز نم که دلی بلرزد و خطی نویسم که کسی را آزار دهد.

روزانه در سراسر جهان ۲۰ بانک مورد دستبرد قرار میگیرد.



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

ترک سیگار منافع فوری دارد

اغلب افراد میدانند که در درازمدت ترک سیگار دارای منافع بهداشتی فراوانی است. اما بدن شما در طول چند هفته - حتی چند ساعت - پس از ترک سیگار علائم بهبودی سلامت را نشان می دهد. برخی از منافع بهداشتی فوری ترک سیگار اینها هستند: در طول هشت ساعت، میزان مونوکسیدکربن در بدن پایین می آید و میزان اکسیژن به حد طبیعی باز میگردد. پس از دو روز، حس بویایی و چشایی تقویت میشود و خطر حمله قلبی کاهش مییابد. در طول سه تا چهار روز به علت افزایش ظرفیت ریه تنفس آسانتر میشود. پس از دو هفته، دیگر نیکوتینی در بدن نیمبماند و جریان خون بهبود پیدا میکند. در طول ۹ ماه، گردش خون و کارکرد ریه بهبود پیدا میکند، فعالیت جسمی بطور قابل توجهی آسانتر میشود. در طول ۹ ماه، سرفه کردن، پرخونی مخاط راههای هوایی و تنگنفس به طور قابل توجهی کاهش مییابد.

انسان برای رسیدن به حضور خدا به چه اعمالی دست میزند؟

...اعمال انسانی او با درست کردن لباس از برگ انجیر شروع شد و بعد با بهانه آوردن و انداختن گناه بر سر یک دیگر، آدم گفت: که زن مرا مجبور کرد و همچنین زن نیز گفت که شیطانی را که تو ای خدا آفریده ای مرا اغوا کرد! و به زبان دیگر آنها جدائی خود را از خدا و گناه را گردن خود خدا انداختند. امروزه بعضی انسانها با این کار



خود را از تقصیر و جرمه و نتایج گناه بری میدانند و میگویند خود خدا ما را آفریده و گناه را خود او معرفی کرده و باعث شده که ما گناه کنیم، پس دیگر ما را تقصیری نیست و احتیاج به آموزش گناهان و برگشت نداریم. بعضی دیگر میدانند که گناه کرده اند و صادقانه میخواهند به حضور خدا برگردند. ولی با کار نیکو و اعمال انسانی و نیک بودن میخواهند که خود را در مقابل خدا بدون گناه نشان دهند. کار نیک و اعمال نیکو وظیفه انسان از بدو خلقت بوده و هست. اصلاً خدا انسان را شبیه خود آفرید و بسیار نیکو آفرید که کار نیک بکند و اگر انسان کار نیک میکند نمیتواند بگوید که چه کاری برای خدا کردم و منت سر خدا بگذارد. حال آنکه وظیفه او بوده و هست که کار نیک بکند. و با کار نیک گناهان آمرزیده نمیشود، بلکه ما داریم کاری میکنیم که برای آن آفریده شده ایم که انسانها نیکو، خوب باشیم و در حال کار نیکو بکنیم.



آن چیست که شیرین است ولی مزه ندارد. سنگین است ولی وزن ندارد.

بدی داشتم چونکه نه زبان میدانستم و نه کسی را میشناختم. بعد از مدتی به کار خیاطی مشغول شدم ولی باز دوستان نابابی پیدا کردم و دوباره روال زندگی مانند سابق شد. باز آن کمبودها را در خود احساس می کردم و باز در سیگار و مشروب غرق شدم. با اینکه اکثر ایرانیهای مقیم ترکیه وضعیت خوبی نداشتند، من برای خانواده خود ویدیو، تلویزیون و همه وسایل راحتی را گرفته بودم و دلم را به این خوش کرده بودم. بیکروز که برای ماهیگیری رفته بودم، با یک ایرانی مسیحی آشنا شدم. او ما را به کلیسا دعوت کرد. مدتی با خانواده ام به کلیسا میرفتم، ولی برای من مفهومی نداشت. در کلیسا دوستان زیادی پیدا کردم و همیشه دوست داشتم که به آنها خدمت کنم. بعد از مدتی همسرم به من گفت: "من از کلیسا خوشم آمده. اگر بخوام تعمید بگیرم تو ناراحت نمیشوی؟" به او گفتم که خودش میدانند.

ایمان آوردن خانواده ام بعد از تعمید همسرم به علت مشروب خواری زیاد، کم کم آن قدرت کاری را از دست دادم شبها تا ساعت یک یا دو نیمه شب مشروب میخوردم و صبح قادر به کار کردن نبودم. در نتیجه شروع کردم به فروختن اثاثیه خانه مان. هر وقت که چیزی از خانه میفر و ختم، با همسرم دعوا میکردم و میگفتم: بفرما! رفتی مسیحی شدی و این بدبختی را به سرا آوردی. همیشه در خانواده اختلاف وجود داشت، نه بخاطر کاری که همسرم انجام داده بود، بلکه بخاطر خودخواهی من. بارها و بارها با همسرم و بچه ها دعوا میکردم، ولی آنها که مسیحی شده بودند، هیچگونه عکس العملی نشان نمیدادند. بعضی وقتها میرفتم سر وقت ایمانداران کلیسا و از آنها ایراد میگرفتم و آنها چیزی به من نمیگفتند. یکبار پیش کشیش کلیسا رفتم و شروع کردم به فریاد زدن که تمام این بدبختی را شما برای من بوجود آوردید.

پس مدتی به خانواده ام اجازه ندادم که کلیسا بروند؛ باز آنها چیزی نمیگفتند تا اینکه کم کم به این فکر افتادم که چه چیزی در آنها وجود آمده که اینقدر فروتن و با محبت هستند. کم کم به این

حیدر آزاد میشود!

اینجانب (شبان باستانی) سالها پیش از نزدیک شاهد زندگی آقای حیدر از نزدیک بودم و امروز بسیار خوشحال هستم که ایشان زندگیشان تبدیل شده است و در زندگی روزانه شان با خداوند در صلح و آرامش با خانواده بسر میبرند. آرزوی من اینست که با مطالعه زندگی حیدر، نور امید در زندگی بسیاری از افرادی که در حال حاضر اسیر و ناامید هستند نمایان شده، قدرت خداوند را تجربه کنند.

آغاز تنهایی

در خانواده ای غیر مسیحی بدینا آمده ام. پدرم وضعیت خوبی داشت. دارای یک خواهر و یک برادر هستم. به علت اختلافات پدرم بدون اینکه از مادرم جدا بشود با زن دیگری ازدواج کرد که هشت بچه داشت. در سن ۹ سالگی مادرم فوت کرد. بعد از ازدواج برادر و خواهرم، بسیار تنها شدم و چیزی تنهایی مرا پر نمی کرد. چونکه خانواده من تلاشی و جدا بودند و راهنمایی نداشتیم، به ناچار از پانزده سالگی پناه به سیگار بردم و کم کم به حشیش و مشروبات الکلی و تریاک رو آوردم.



ادامه خلأ با وجود همسر و کار خوب

حرفه خیاطی در پیش گرفتم؛ پیشرفت خوبی داشتم و پول خوبی در می آوردم، اما کل پولی را که بدست می آوردم با دوستانم مشروب خوری میکردم. در تمام مدت زندگی، سعی من این بود که به این و آن کمک کنم و البته این کمک کردن من نه بخاطر رضای خدا بلکه برای جلب دوستی و خودنمایی و یا چشمداشت بود. بعد از مدتی با دختری آشنا شدم و با او ازدواج کردم. بعد از ازدواج تا مدت پنج یا شش ماه فکر میکردم که آن کمبود را در زندگی ام جبران کرده ام. اما بعد از مدتی دوباره همان کمبود را احساس کردم و باز به مشروب و مواد مخدر برگشتم. بعد از مدتی شرکت تولیدی باز کردم و بسیاری موفق شدم. فکر میکردم که این موفقیت همان چیزی است که مرا راضی میکند، اما چنین نبود. پس با پولم شبها تا صبح به قمار میرداختم. بین دوستانم افرادی از گروه های سیاسی مختلف بودند. یکبار که برای خرید پارچه به شهرستان رفته بودم، مأمورین دولت به من مضمون شده، مرا گرفتند. مدت یکماه در زندان بودم و شکنجه شدم. دو ماه بعد از آزادی ام دوست سیاسی مرا دستگیر کردند و چون جان من هم در خطر بود به ناچار به ترکیه آمدم.



در ترکیه اوایل که وارد ترکیه شده بودم، زندگی خیلی



حالا مرتباً سعی میکنم که با کلام خدا باشم. این برای من تجربه شده که با کلام خدا دعا، شیطانی از من دور میشود. اکنون آن کمبودی را که در خود از بچگی احساس میکردم، خداوند مهربان با من محبت و حضور خود پر کرده است. از پدر آسمانی ام بخاطر لطف و مرحمتش تا بد سیاستگزارم.

به نام عیسی، امت ما امید خواهند داشت. اگر تا امید و خسته و یا به انتظار شغای الهی هستید. خادمان ما اینجا هستند برای مشورت و همراهی یا شما. رسول حیدری خادم کلیسای ایران و ولی Valley Iranian Church Rasoul Heidari "Minister" (818)-201-8602 10210 Canoga Ave. Chatsworth, California 91311

AfghanSearch.com Your Search Ends Here...



Tel: 818. 522.1525
Tabdi@IRANforCHRIST.com

جابه جایی کلیسای ۶۶۰ متری در آلمان



در آلمان مهندسان ساختمانی، یک کلیسا به وزن ۶۶۰ تن را در مسیری به اندازه ۱۲ کیلومتر جابه جا کردند تا آن را از تخریب نجات دهند روستایی که این کلیسا در آن واقع بود به دلیل گسترش معدن ذغال سنگ در آن منطقه در ال ناپودی است در کلهای مقدس مذاهب مختلف از قدرت خدا در جابه جایی کوه و دریا حرفهای زیادی شنیده ایم هفته گذشته مردم روستای مورستورف در نزدیکی شهر لایپزیک آلمان شاهد نمونه ای کوچک از این وعده الهی بودند. یک کلیسای کوچک در این روستا در عملیاتی گسترده و عجیب و با کمک گرفتن از تکنولوژی پیشرفته، از زمین بلند و جابه جا شد این کلیسای ۷۵۰ ساله روی یک واگن باری حمل شد و به شهر بونه در ۱۲ کیلومتری روستا منتقل شد اگر مراحل عملیات بر طبق برنامه پیش رود و مشکلی پیش نیاید، این کلیسا یک هفته دیگر به مقصد میرسد این ساختمان ۵/۱۴ متری که ۹/۸ متر عرض دارد از دو ماه پیش به روی عموم بسته شد تا عملیات آماده سازی برای انتقال آن شروع شود. یکی از مهندسان ناظر این عملیات میگوید، این کار بسیار ظریف و دقیق و حساس است و میلیمتر هم در آن تاثیر دارد به همین دلیل هر تابه باید کل شرایط را بررسی کرد و زیر نظر داشت برای یافتن مکان و مقصدی برای این کلیسا دشواریهای زیادی وجود داشت و تعیین مقصد آن یک سال طول کشید.

فلسفه هالوین



در کشوری زندگی میکنیم که شیطان پرستی در شمار مذاهب رسمی است. به این مفهوم که بطور قانونی به ثبت رسیده و از پرداخت مالیات هم معاف میاشد. امروزه مسیحیت که شیطان پرستان دارای دانشکده ویژه خود میباشند تا جایکه صدها دانشجو در رشته علوم شیطان پرستی و جادوگری تحصیل میکنند حتی به زندانیان شیطان پرست اجازه میدهند که آداب و رسوم خاص مراسم عبادتی خود را انجام دهند متأسفانه بیشتر پیروان این مذهب شیطانی؛ سیاسیتمداران؛ پزشکان؛ افرادی در رده های بالای پلیس و حتی کشیشانی به ظاهر خادم خدا هستند. کلام خدا در این رابطه در دوم قرینان فصل ۱۱ آيات ۱۳ و ۱۴ میفرماید: زیرا این شخص رسولان دروغین و خادمین فریبکار هستند که خود را به شکل رسولان مسیح در میآوردند. این چیز عجبی نیست؛ شیطان خود را به صورت فرشته نور در میآورد. جشن هالوین زیر بنای شیطانی و بت پرستی دارد. هالوین آمیخته با شب مقدس کاتولیک هاست. شب یادبود مقدسین کلیسای کاتولیک در ماه می و از سال ۸۴۳ میلادی آغاز شد. سپس برای خوشنودی حکومت و مردم رم در این تاریخ را به اول ماه نوامبر تغییر داده اند. (روز جشن هالوین درخت و میوه) سپس در آلمان و کشورهای اسکاندیناوی اول نوامبر را به آخر اکتبر تغییر دادند بدین سبب شب مقدس Holly Evening به هالوین تبدیل شد؛ که انگلیسیها با مهاجرت به آمریکا این رسم را به ارمان آورده و اشاعه دادند. ۱۳۱ اکتبر یعنی روز هالوین سال روز مادر زمین نماد برکت است. در این روز گذشته های بسیار دور پیشینیان؛ انسانهای زنده را در زمینها گذاشته بعنوان قربانی به مادر زمین تقدیم میکردند و با این تقدیم در واقع آنها را زنده به گور کرده؛ میکشند. بنابراین رفته رفته این شب مقدس کاتولیک به شب هالوین و یا شب ظهور ارواح شریر تغییر یافته است در چنین روزی برای دستیابی به برکت فراوان (دام و غنای) اولین فرزند خانواده را قربانی میکردند و باور داشتند که جادوگران سوار بر جاروی خود در آسمان به پرواز در میآیند و زنان با شیطان کارهای زشتی انجام میدهند. در این میان شیطان خود شیور میوزاد و ارواح شریر بر بلندی تپه ها با جادوگران به رقص و پایکوبی میروند و در شهرهای مهتابی در زیر نور زرد ماه گربه های سیاه؛ خفاشها، حن و پری های با آنها همراهی و همکاری میکنند و همچنین اعتقاد داشتند که ارواح شریر همراه ارواح مقدسین در این شب بیرون میآیند از اینرو برای پدیرایی از آنها سب و گرد و بادم و غذا و نوشیدنی در داخل سینیها گذاشته تقدیم ارواح میکردند هنگامی که رومیهای فاتحان بریتانیای کبیر را تسخیر کردند جشن شیطان پرستی را به انگلستان و بالاخره مهاجرین انگلیسی این جشن را با خود به آمریکا هدیه آوردند امروزه آنچه ظاهراً از این جشن مسیحیت شادی برای بچه ها و تعارف و تقسیم شیرینی و شکلات است؛ اما هو شیار باشیم که در پس پرده قدرت شیطان است که تقویت میشود و همچنین گاهی دیده شده که شیطان پرستان در چنین شبی خوردنیها و شکلاتهای مسموم در میان مردم توزیع میکنند چنانچه به اخبار حوادث تلویزیون در شب هالوین توجه کنید حادثی نظیر؛ آتش سوزی؛ ضرب و شتم و حتی مرگ و میر بیشتر از هر وقت دیگر به چشم میخورد. در این شب انسان یخبزر از حقیقت قربانی میشوند. میگویند مردی به نام جک شیطان را فریب داد تا با او کاری نداشته باشد. وقتی جک در گذشت چون اجازه رفتن به بهشت یا جهنم به او داده نشد او خود را در تاریکی با نهادن زغال روشنی درون یک کلدو تبلت خالی جستجو میکرد امروزه مراسم است که مردم از کلدو بجای شلغم استفاده میکنند با کمی تأمل در میابیم که اسکت؛ ماسک دراکولا؛ زخمهای مصنوعی روی صورت؛ تیوپهای خون مصنوعی؛ ماسکهای گربه و سگ و خفاش؛ جارو؛ کلدو نورانی؛ بادام؛ سب و خانه ها تزئین شده توأم با نور زرد فقط یک جشن معمولی برای تفریح و داشتن وقتی خوش نیستند هنگامیکه مسیحیت رواج یافت؛ دشمنان کلیسا با تحقیر و آزار مسیحیان در شب هالوین؛ شیطان را میستودند برستند گان شیطان جمجمه و مذبح و صلیب و منبر هم در برابر خانه های خود قرار میدادند و در قرون گذشته بر دیوارهای کلیسا صلیبهای زشت کشیده مسیحیان را مسخره میکردند



در زمانهای دور، مردی در بازارچه شهر حجره ای داشت و پارچه میفروخت. شاگرد او پسر خوب و مؤدبی بود و لیکن کمی خجالتی بود. مرد تاجر همسری کدبانو داشت که دست پخت خوبی داشت و آشهای خوشمزه او دهان هر کسی را آب میانداخت. روزی مرد بیمار شد و نتوانست به دکانش برود. شاگرد در دکان را باز کرده بود و جلوی آنرا آب و جاروب کرده بود ولی هر چه منتظر ماند از تاجر خبری نشد. قبل از ظهر به او خبر رسید که حال تاجر خوب نیست و باید دنبال دکتر برود. پسرک در دکان را بست و دنبال دکتر رفت. دکتر به منزل تاجر رفت و او را معاینه کرد و برایش دارو نوشت. پسر بیرون رفت و دارو را خرید وقتی به خانه برگشت، دیگر ظهر شده بود. پسرک خواست دارو را بدهد و برود، ولی همسر تاجر خیلی اصرار کرد و او را برای ناهار به خانه آورد. همسر تاجر برای ناهار آش پخته بود سفره را انداختند و کاسه های آش را گذاشتند. تاجر برای شستن دستهایش به حیاط رفت و همسرش به آشپزخانه برگشت تا قاشقها را بیاورد. پسرک خیلی خجالت میکشید و فکر کرد تا بهانه ای بیاورد و ناهار را آنجا نخورد. فکر کرد بهتر است بگوید دنداناش درد میکند. دست خود را روی دهانش گذاشت. تاجر به اتاق برگشت و دید پسرک دستش را جلوی دهانش گذاشته به او گفت: دهانت سوخت؟ حالا چرا اینقدر عجله کردی، صبر میکردی تا آش سرد شود آن وقت میخوردی؟ زن تاجر که با قاشقها از راه رسیده بود به تاجر گفت: این چه حرفی است که میزنی؟ آش نخورده و دهان سوخته؟ من که تازه قاشقها را آوردم. تاجر تازه متوجه شد که چه اشتباهی کرده است.

از آن پس، وقتی کسی را متهم به گناهی کنند ولی آن فرد گناهی نکرده باشد، گفته میشود: آش نخورده و دهان سوخته.

حکم تکنید تا بر شما حکم نشود.


انجیل متی فصل ۱۷ به ۱



کمک سازمانهای خیریه مسیحی به قربانیان آتش کالیفرنیا

سازمانهای خیریه و گروههای مسیحی برای کمک به نیم میلیون نفری که به علت آتش سوزیهای کالیفرنیا از خانه های خود خارج شده اند بسیج شدند. برخی از آتش نشانان تصدیق کردند که در اماکن بسیاری آتش آنها را مغلوب کرده و بیش از ۱۳۰۰ خانه بین شمال لس آنجلس تا مرز مکزیک تخریب شده است. در این میان سازمانهای همیاری مسیحی از فلوریدا تا جنوب کالیفرنیا برای کمک به جوامع خود بسیج شده اند. این سازمانها در سن دیگو، لس آنجلس و سن برناردینو نیز برای همکاری با دیگر ارگانها اعلام آمادگی کردند در فلوریدا بنیادهای خیریه مسیحی به خانواده هایی که خانه خود را در آتش از دست داده اند کمک کرده و آنها را تحت پوشش قرار میدهند. کیم برگو مدیر پاسخ به فجایع طبیعی در سازمان خیریه مسیحی آمریکا اظهار داشت: دفتر این سازمان باید به سرعت به این فاجعه پاسخ دهد سازمانهای خیریه آمریکا که توسط اسقفها اداره میشوند تلاش میکنند. جامعه مسیحی در در زمان فجایع داخلی یاری کنند. نزدیک یک هفته است که ساکنان جنوب لیک تامو در ایالت کالیفرنیا با آتش سوزی بی امان جنگلهای تامو دست و پنجه نرم میکنند. کالیفرنیا ایالت مستعد حریق آمریکا است و در سال چند بار این اتفاق برای ساکنان آن تکرار میشود. جنگلهای انبوه کالیفرنیا در نتیجه تغییرات آب و هوایی و افزایش بی سابقه دمای هوای این چندساله از بین رفته و نابود شده اند.

کلیسای سفیران مسیح
 از شما فارسی زبانان عزیز دعوت به عمل میآورد تا در جلسات عبادتی این کلیسا که هر یکشنبه ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر برگزار میگردد حضور بهم رسانید.
 21300 Califa St. (between De Soto & Canoga)
 Woodland Hills, CA 91367
 تلفن اطلاعات: ۱۵۲۵-۵۲۲ (۸۱۸)



شمار چشمگیری از روسها؛ اعم از زن و مرد، شهری و روستایی و حتی تحصیلکرده به به نقش جادو جنبل در سرنوشتشان اعتقاد دارند. ۳۲ درصد شرکت کنندگان نظر سنجی که بنیاد افکار عمومی روسیه آن را برگزار کرد گفتند به تأثیر جادو معتقدند؛ ۵۲ درصد به آن اعتقاد ندارند و ۱۰ درصد هم پاسخ ندادند. بر همین اساس زنان بیشتر از مردان به تأثیر جادو اعتقاد دارند؛ از نظر ۴۰ درصد آنان این مساله غیر قابل انکار است و ۵۰ درصد نیز چنین امکانی را رد نمیکنند. همچنین ۲۳ درصد مردان به نقش جادو اعتقاد دارند. این پژوهش نشان داد سطح سواد هیچ ارتباطی با اعتقاد مردم به جادو ندارد و حتی کسانی با تحصیلات بالا، آن را رد نمیکنند. از سوی دیگر میزان اعتقاد مردم روسیه به جادو در شهرها و روستاها تقریباً یکسان است اما در مسکو بیش از ۷۴ درصد مردم به خرافات پابندند. مسن ترها اما کمتر به جادو اعتقاد دارند در حالیکه ۲۸ درصد مردم بین ۱۸ تا ۳۵ ساله آماده مراجعه به جادو گران هستند تنها ۱۱ درصد زنان و مردان بالای ۵۵ سال به آنان اعتماد دارند.

سال سوم شماره ۲۵ نوامبر ۲۰۰۷



ماهانمه تبدیل

P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

تفاوت بین خانمها و آقایان

ستون پندیده



گرچه: زنان عاشق گربه هستند. مردان میگویند گربه ها را دوست دارند، اما در نبود زنان با لگد آنها را به بیرون پرتاب میکنند.

آشنایی با شخصیتها و اسامی در کتاب مقدس

یکی از القاب خداوند در کتاب مقدس لقب پدر میباشد. این لقب خداوند حکایت از رابطه نزدیک خدا با قوم خود و همچنین قلبی که او نسبت به ما دارد. (اشعیا ۶۳:۱۶، ۴۸:۴۶، ملاکی ۱:۶، متی ۱۶:۱۶، ۴۵، ۴۸، ۹:۶).

{اشعیا ۶۳:۱۶- به درستی که تو پدر ما هستی اگر چه ابراهیم ما را نشناسد و اسرائیل ما را بجا نیاورد، اما تو ای یهوه، پدر ما و ولی ما هستی و نام تو از ازل میباشد.}

{اشعیا ۸:۴۶- این را بیاد آورید و مردانه بگوئید. و ای عاصیان آن را در دل خود تفکر نمایید!}

{ملاکی ۱:۶- پسر، پدر خود و غلام، آقای خویش را احترام می نماید. پس اگر من که پدر هستم احترام من کجاست؟ و اگر من آقا هستم هیبت من کجا است؟ یهوه صباوت به شما تکلم میکند. ای کاهنانی که اسم مرا حقیر می شمارید و میگوئید چگونه اسم تو را حقیر شمرده ایم؟}

{متی ۱۶:۵- همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند.}

{متی ۴۵:۵- تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع میسازد و باران بر عادلان و ظالمان میباراند.}

{متی ۲۸:۵- پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است.}

{متی ۹:۶- پس شما اینطور دعا کنید: ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد.}

آیا میدانید خدا برای جان شما ارزش قائل است!




کتاب مقدس

مژده برای عصر جدید

از انتشارات انجمن های متحد کتاب مقدس

ایمیل: nahidsephri@yahoo.com

الماس حاصل فشار بیش از حد است "فشار کمتر" بلور و کمتر از آن زغال سنگ را پدید می آورد اگر باز هم فشار کم شود حاصل چیزی جز سنگاره برگها و یازنگار ساده نخواهد بود فشار میتواند شما را به موجودی ارزشمند بدل کند موجودی شگفت انگیز کاملاً زیبا و بسیار محکم. ما یا آجلو

خواننده گرامی: آیا موضوعی در زندگی شما وجود دارد که احتیاج به دعای خصوص دارید؟ تیم دعای ما در ماهنامه تبدیل آماده خدمت به شما می باشند. از شما خواهشمندیم مطالب دعای خود را به ما ارسال کنید تا ما با شما متحد شویم.

تلفن: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸)

Email: Prayer@iranforchrist.com

آدرس پستی:
P. O. Box: 371043
Reseda, CA 91337 USA

سخنرانی در جمع

با محل سخنرانی آشنا شوید. این یک نکته فراموش شده است، اما شما باید با محلی که قرار است سخنرانی بپردازید، آشنا شوید. لازم است پیشاپیش به آنجا رفته و با امکانات و محیط آن آشنا گردید. سپس روی مسائل دیداری سخنرانی خود کار کنید تا مطمئن شوید مطابق با آنچه که در نظر گرفته اید باشد. وارد شدن به یک سالن ۲۰۰۰ نفره هزار نفری نسبت به وارد شدن به یک کلاس درس ۳۰ نفره نیاز به تمهیدات بسیار بیشتری دارد. یک روش خوب این است که در صندوقهای مختلفی که قرار است حاضران بنشینند، قرار بگیری تا چشم انداز مناسبتری از محل برگزاری بدست آورده و بتوانید با همه شوندگان به یک نسبت ارتباط برقرار کنید. فقط با چند نفری که در ردیف جلو نشسته اند.

وقتی که ایراد گیر و تلخ هستید؛ اول قرتیان ۱۳ را بخوانید.

www.SimaMasih.com

اثبات علمی تأثیر دعا و نیایش در زندگی



دلایل زیادی وجود دارد که ثابت میکند دعا مؤثر است. بسیاری از تحقیقات علمی صحت این مطلب را نشان میدهند. تحقیقی که در سال ۱۹۹۳ بر روی ۱۰،۰۰۰ کارمند دولتی در طول ۲۶ سال انجام گرفت، نشان داد که افراد متدین بسیار کمتر از افراد بی خدایه، بخاطر مشکلات قلبی-عروقی جان میسپارند و در تحقیقی که در سال ۱۹۹۵ در یک کلینج بر روی ۲۵۰ نفر بعد از جراحی قلب باز انجام گرفت، اینطور نتیجه گیری شد که آن دسته از افراد که ارتباطات مذهبی و حمایت اجتماعی داشته اند، ۱۲ مرتبه کمتر از آنها که فاقد آن بوده اند، جان سپرده اند. در تلاش برای درک افسردگی ناشی از بستری شدن در بیمارستان، محققان یک دانشگاه ۱۰۰ بیمار بستری شده در بیمارستان که عادت به دعا داشته اند را از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ مورد بررسی قرار داده و دریافته اند که این افراد بسیار بهتر از دیگران با مشکلات سلامتی خود کنار می آیند. یک مرکز اخیراً هیبتی را برای تشخیص مزایا و فواید ادغام داروهای متعارف با درمانهای رفتاری و تکنیکهای تمدد اعصاب برای درمان فشار خون، تشکیل داده است. این گروه دریافته که ترکیب این دو روش درمانی با یکدیگر، که دعا یکی از اجزاء مهم آن بود، میتواند باعث پایین آوردن سرعت تنفس، ضربان قلب، و فشار خون فرد شود. دانشگاه مکزیکو مشغول مطالعه بر روی قدرت دعا برای درمان افراد الکلی است. همچنین تحقیقی نیز در مورد دعا در درمان دانشگاه استیردر حال انجام است. مطمئناً دنبال کردن یک شیوه زندگی مذهبی و روحانی میتواند باعث بهبود و ارتقاء سلامتی شود. افراد دیندار معمولاً بسیار کمتر به دنبال خطراتی مثل سیگار، الکل و همسر شدن با افراد ناشناس میروند. اما، در یک عملکرد شفاعت و دعای دیگران برای افراد کافر و بی اعتقاد بسیار دشوار است. در مهمترین و گسترده ترین تحقیقات مربوط به تاثیر شفاعت و دعا، متخصص قلب شناس، راندولف بیرد، روی ۳۹۳ بیمار بستری شده در واحد مراقبتهای بیماری کرونری قلب در بیمارستان عمومی سن فرانسیسکو، بررسیهایی انجام داده است. برای برخی از این بیماران توسط گروههای خانگی، دعا و نیایشهایی انجام شده، اما برای برخی این دعا و نیایش انجام نگرفت. کلیه مردان و زنان بیمار مورد مراقبتهای پزشکی یکسان قرار گرفتند. در این تحقیق، نه پزشکان و پرستاران و نه خود بیماران نمیدانستند که دعا و نیایش برای کدامیک از بیماران انجام میشود. نتایج این تحقیق بسیار چشمگیر بوده و موجب تعجب بسیاری متخصصین و دانشمندان قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که آن دسته از بیمارانی که مراقبتهای پزشکی آنان با دعا و نیایش برای سلامت آنها ادغام شده بود، نیاز به داروی کمتری داشته و تجهیزات تهیه به مدت زمان کمتری برای آنها استفاده شده و وضعیت سلامتی آنها نیز نسبت به سایر بیماران بسیار بهتر بوده است. ادامه دارد...

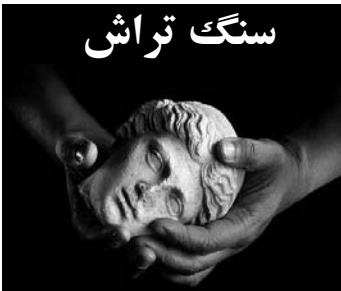


دو میلیون و ۹۰۰ هزار نفر قربانی ایدز در یکسال



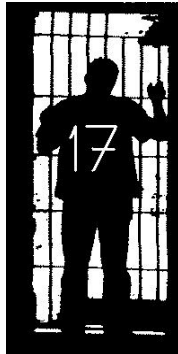
سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد افزون بر چهار میلیون و ۳۰۰ هزار نفر طی سال گذشته میلادی به بیماری مرگبار ایدز مبتلا شدند. براساس تازه ترین آمار، دست کم دو میلیون و ۹۰۰ هزار نفر، سال ۲۰۰۶ در سراسر جهان قربانی ایدز شدند. براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی شمار مبتلایان به ایدز در کشورهای عربی سالیانه ۳۰۰ درصد افزایش مییابد. برنامه توسعه سازمان ملل ابراز نگرانی کرده شمار مبتلایان به ایدز در کشورهای عربی تا ۸ سال دیگر به ۱۶ میلیون نفر برسد که معادل چهار درصد جمعیت این کشورهاست. روند افزایش این بیماری در ایران محسوس است.

سنگ تراش



روزی سنگتراشی که از کار خود ناراضی بود و احساس حقارت میکرد، از نزدیکی خانه بازرگانی عبور میکرد در باز بود و او خانه مجلل، باغ و نوکران بازرگان را دید و به حال خود غبطه خورد و با خود گفت: این بازرگان چقدر قدرتمند است! و آرزو کرد که مانند بازرگان باشد در یک لحظه، او تبدیل به بازرگانی با جاه و جلال شد تا مدتها فکر میکرد از همه قدرتمندتر است. تا اینکه یکروز حاکم شهر از آنجا عبور میکرد او دید که همه مردم به حاکم احترام میگذارند حتی بازرگانان مرد با خودش فکر کرد: کاش من هم یک حاکم بودم، آنوقت از همه قویتر میشدم! در همان لحظه، او تبدیل به حاکم مقتدر شهر شد. در حالیکه روی تختی روان نشسته بود، مردم همه به او تعظیم میکردند احساس کرد که نور خورشید او را میآزارد و با خودش فکر کرد که خورشید چقدر قدرتمند است! او آرزو کرد که خورشید باشد و تبدیل به خورشید شد و با تمام نیرو سعی کرد که به زمین تابند و آن را گرم کند پس از مدتی ابری بزرگ و سیاه آمد و جلوی تابش او را گرفت. پس با خود فکر کرد که نیروی ابراز خورشید بیشتر است و تبدیل به ابری بزرگ شد کمی نگذشته بود که بادی آمد و او را به این طرف و آن طرف هل داد. این بار آرزو کرد که باد شود و تبدیل به باد شد ولی وقتی به نزدیکی صخره ای رسید، دیگر قدرت تکان دادن صخره را نداشت. با خود گفت: پس صخره قوی ترین چیز در دنیا است و تبدیل به آن شد. همانطور که با غرور ایستاده بود، ناگهان صدای شنید و احساس کرد که دارد خرد میشود. نگاهی به پایین انداخت و سنگتراشی را دید که با چکش و قلم به جان او افتاده است!

چهار ماه زندان بخاطر سرقت انجیل



یک قاضی سنگاپوری مردی را به جرم سرقت یک انجیل به چهار ماه حبس محکوم کرد و پیش از رفتن به زندان او را با آموزه‌هایی از انجیل مورد موعظه قرارداد. یک قاضی سنگاپوری مردی را به جرم سرقت یک انجیل به چهار ماه حبس محکوم کرد و پیش از رفتن به زندان او را با آموزه‌هایی از انجیل مورد موعظه قرارداد.

به نقل از شورت نیوز قاضی همچنین یک انجیل نو به این مرد ۲۶ ساله داد. این مرد به دادگاه گفته بود که این دلیل انجیل را از فروشگاه کتاب دزدیده بود که میخواست آن را جایگزین انجیل کهنه خودش کند. در جلسه دادرسی قاضی به متهم که پیش از این نیز سابقه سرقت داشته است ۶۵ آن نگاهی بیندازد. در این صفحه نوشته شده: دزدی نکن. شما در زندان فرصت این را خواهید داشت که بنشینید و انجیل را بخوانید تا دیگر هرگز کارتان به دادگاه و زندان کشیده نشود.

۸۴۵ میلیون نفر، هر شب گرسنه میخوانند



سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) اعلام کرد: با وجود موفقیت‌های به دست آمده در کشاورزی و توسعه روستایی

در جهان همچنان نزدیک به ۸۵۰ میلیون نفر گرسنه و فقیر هستند. مدیرکل سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد به مناسبت روز جهانی غذا در مقر این سازمان در رم، گفت: با وجود تولید کافی مواد غذایی در جهان ۸۴۵ میلیون انسان هر شب گرسنه میخوانند. ژاک دیویف از رهبران کشورهای جهان خواست به قوانین مربوط به حق تغذیه احترام بگذارند و با گرسنگی در کشورهای خود مبارزه کنند.



عید شکرگزاری، زمانی برای احترام به سنتها و سهیم شدن با دیگران

عید شکرگزاری در آمریکا احتمالاً مهمترین عید خانوادگی مردم این کشور است، و معمولاً در خانه و به همراه ضیافتی بزرگ جشن گرفته میشود. عید شکرگزاری، که برای خلیها یک تعطیلی چهار روزه محسوب میشود، فرصتی را برای تمام افراد خانواده جهت تجدید که کاشته بودند، مهاجرین علت بسیار دیدار فراهم میآورد و آغاز گزافصل خوبی برای شکرگزاری در پاییز ۱۶۲۱ تعطیلات در آمریکا است که تا روز داشته. پیوریتنهای انگلیسی، طبق سنت کرسمس و سال نو ادامه مییابد، و آنها، روزهای مشخصی را جهت شکر همانگونه که از اسمش پیداست، فرصت گزاری از نعمتهای خداوند تعیین کرده مشتری را در اختیار مردم آمریکا قرار بودند. آنها از ولینعمتهای خود، یعنی میهدت تا شکرگزاری و سپاسگزاری سرخپوستان و امپانوگ، برای برگزاری خود را از غذای فراوان و وفوری که در مراسم شکرگزاری دعوت کردند؛ آنها کشور وجود دارد، ابراز کنند. در بسیاری آهویی برای کباب کردن به همراه خود از فرهنگها، برداشت و فراوانی محصول آوردند و مهاجرین نیز غذای بوقلمون با اجزای مراسم شکرگزاری جشن گرفته میشود. بسیار پیش از اینکه اولین مهاجرین گذاشتند. مهاجرین پختن قره قاط و به امریکای شمالی برسند، مردم غرب اروپا مراسم فستیوال "محصول خانه" انگلیسیها مراسم لاماس را در اولین روز ماه اوت جهت شکرگزاری از برداشت محصول گندم جشن میگرفتند. عید شکرگزاری آمریکا در سال ۱۶۲۱ با اولین برداشت موفقیت آمیز محصول مهاجرین آغاز شد - رویدادی که واقعاً جای شکرگزاری داشت. مهاجرین، با عبور از اقیانوس آتلانتیک و جهت رهایی از کلیسای انگلستان و عبادت آزادانه ایمان خود، به نام پاک دین یابیوریتانیسم، در سال ۱۶۲۰ به آمریکا رسیدند. زمانی که آنها به منطقه مهاجرنشین پلیموث - بخشی از ایالت ماساچوست امروزی - رسیدند، فرصت کاشت محصول از دست رفته بود. این مهاجرین، بخاطر کمبود غذای تازه، زمستان بسیار سختی را در سال ۱۶۲۰-۱۶۲۱ پشت سر گذاشتند. نیمی از مهاجرین بخاطر بیماری جان خود را از دست دادند. بهار سال بعد، سرخپوستان منطقه، بنام و امپانوگ، به مهاجرین یاد روزهای مسافرت در داخل کشور در هر دادند که چگونه ذرت (بلال) و دیگر سال است. همه آنها بخاطر غذا، سرپناه محصولهایی را که مهاجرین با آن و چیزهای خوب دیگر در زندگی شکر آشنایی نداشتند، بکارند، و به آنها کمک کردند مهارتهایی از قبیل شکار و

ادامه در صفحه ۹...

در موقع خرید پارچه، حاشیه آن را خوب نگاه کن



در موقع ازدواج درباره مادر عروس تحقیق کن.

(ضرب المثل آذربایجانی)



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

فردای آن روز، وقتی بن هور و بالتازار باز به نبی بیابانها گوش میدادند، شنیدند که با احترام خاصی گفت: "اینست بره خدا!" چون به محلی که نبی اشاره میکرد نگریستند، بار دیگر غریبه را دیدند. بن هور با دقت به چهره موقر و آرام و متفکر او نگاه میکرد که ناگاه فکری به ذهنش رسید: "بالتازار درست میگویی؟ سیمونیدس هم درست میگویی. آیا ممکن نیست که این منجی، در عین حال پادشاه هم باشد؟" سپس از کسی که در کنادش ایستاده بود، پرسید: "آن مرد که آنجا راه میبرد، کیست؟" شخص خنده کنان پاسخ داد: "پسر نجاری است در ناصره!" بهار سی و سومین سال او تولد پسر مریم فرار رسید. در خلال این مدت، بن هور وقت خود را یادرنکار پیامبر ناصری میگذراند یا در کنار یارانش، برای نمرینهای نظامی و آمادگی برای قیام، او همچنین، خانه پدری خود را از حکومت روم خرید، اما نه به نام خود، بلکه بنام سیمونیدس. سیمونیدس و دخترش استر، به اورشلیم نقل مکان کردند تا از نزدیک با بن هور در تماس باشند. بالتازار نیز در این مدت، اکثر اوقات در اورشلیم در کاخ بن هور اقامت داشت و گاه به ملاقات پیامبر صلح و آشتی میرفت. در یکی از روزهای آغاز آن بهار، سیمونیدس و استر و بالتازار، منتظر آمدن بن هور بودند. او قبلاً نامه داده بود که خواهد آمد تا درباره امر مهمی با هم مذاکره کنند. از میان آن سه نفر، استر هیجان بیشتری داشت، اما علت انتظار و متفاوت بود! بن هور آمد و یکر است بسراغ سیمونیدس رفت. بالتازار و استر نیز در اتاق حضور داشتند. استر فوراً احساس کرد که بن هور با همیشه فرق دارد. او کمی شتاب زده بنظر میرسید؛ انگار که میخواست مسأله مهمی را با دوستان خود در میان بگذارد. بن هور به ایشان گفت: "میدانید که مدت مدیدی است من ناصری را زیر نظر داشته‌ام. من او را در همه نوع موقعیتها مشاهده کرده‌ام. او ظاهراً انسانی است عادی مانند من و شما. اما کارهایی که میکند و سخنانی که میگویی، او را از همه ما متمایز میکند." در این لحظه، امراه، خدمتکار وفادار خانواده، وارد شد و به زانوی ارباب خود افتاد. او نمیوانست گریه خود را نگه دارد. بن هور سخن خود را برای لحظاتی قطع کرد تا او را آرام کند. بن هور نیز اشک میریخت، اشک میریخت چون میدانست که دیگر هرگز مادر و خواهر خود را نخواهد دید. وقتی امراه آرام شد، از اتاق بیرون رفت و کنار در ایستاد و به سخنان ارباب خود گوش فرا داد. بن هور گفته خود را ادامه داد: "یکبار که همراهش بودم، یک جذامی نزدش آمد و گفت: اگر بخوای میتوانی مرا شفا دهی. ادا شده دارد..."

از روز را در آنجا ماندند و به سخنان نبی تعمیم دهنده گوش فرار دادند. بالتازار زمزمه کنان میگفت: "این مرد کسی نیست جز منادی پادشاه!" اما بن هور در فکر بود. این مرد، با ظاهری چنین افتاده و با تعلیمی چنین صلح آمیز، چگونه میتوانست منادی پادشاهی باشد که میبایست روم را به زانو درآورد؟ خورشید در پهنه آسمان پایین میرفت و مردم کمکم متفرق میشدند. اما دوستان ما همچنان منتظر و غرق تماشا بودند. در همان حال، بالتازار دید که یکی از مردانی که در آن کناره رودخانه نشسته و به سخنان تعمیم دهند گوش میدهد، مانند دیگران از جا برخاست تا برود. چهره نورانی و آرام او، با حرکت مطمئن و استوارش که عرض رودخانه را میپیمود، توجه بالتازار را جلب کرد. اما توجه کس دیگری جلب نشد. مردمی که هنوز حضور داشتند، ناگهان دیدند که تعمیم دهنده دستان خود را بالا کرد تا توجه مردم را جلب کند. همه منتظر بودند تا ببینند تعمیم دهنده در آن لحظات پایانی چه خواهد گفت. درست در لحظه‌ای که مرد غریبه از نزدیکی تعمیم دهنده میگذاشت، مردم شنیدند که تعمیم دهنده با اشاره به او گفت: "اینست بره خدا که گناه جهان را برمیآورد!" بالتازار بی اختیار به زانو درآمد. او نیاز به توضیحی نداشت. باز صدای تعمیم دهنده شنیده شد: "اینست همانکس که گفتم بعد از من می‌آید اما از من بزرگتر است؛ و من شهادت میدهم که همین است **پسر خدا!**" غریبه مستقیم به همان سمتی می‌آمد که بن هور و بالتازار ایستاده بودند. موهای خرمایی او از فرق سرش بر روی شانه‌هایش ریخته بود؛ چشمان آبی تیره و نگاه مهربانش هر روح متلاطمی را به سکون و آرامش فرامیخواند؛ حرکت موقر و متینش حرمتی آسمانی در دلها بر میانگیخت. بالتازار اشک ریزان فریاد میزد: "خود اوست! خود اوست!" و لحظه‌ای بعد، بیهوش بر زمین افتاد! بن هور بدون اینکه متوجه حالت بالتازار شده باشد، خیره تمامی حرکات مرد غریبه را مینگریست. او متوجه پاکی و آرامش و حالت متفکر او شده بود. اما نشانه‌ای از پادشاهی، آنگونه که رسم روزگارااست، در او دیده نمیشد. آیا بالتازار راست میگفت یا سیمونیدس؟ آیا این مرد همانی است که قرار بود شکوه سلطنت سلیمان را باز احیا کند؟ آیا این مرد مهربان، با این چهره آرام و آرام بخش، همان پادشاهی است که باید قیام علیه روم را رهبری کند؟ آیا چنین مردی میتوانست بر کسی شمشیر بکشد؟ بن هور در همین افکار بود که ناگهان احساس کرد آن مرد را میشناسد. خاطراتی داشت در ذهنش زنده میشد، خاطره سربازان رومی و یک چاه و خورشید سوزان و چهره ای مهربان، چهره‌ای که هیچگاه از یاد نبرده بود، چهره کسی که در لحظه‌ای خطیر او را به زندگی باز آورده بود! غریبه همان کسی بود که سالها قبل در دهکده ناصره به او آب داده بود. محو تماشا، آخرین کلمات تعمیم دهنده در ذهنش طنین انداخت: "همین است پسر خدا!" بن هور از اسب پایین آمد تا به غریبه ادای احترام کند، احترامی شایسته پادشاهان. اما فریاد یکی از یاران بن هور، او را متوجه بالتازار کرد. بالتازار بی حال بر روی زمین افتاده بود. پیرمرد بیچاره از هیجان دیدن کسی که سی و دو سال انتظارش را کشیده بود، از حال رفته بود. در مدت زمانی که بن هور میکوشید او را به هوش بیاورد، غریبه گذشته و رفته بود.



این دو تمام امکانات خود را برای حمایت از نقشه‌ها و برنامه‌های بن هور بکار میبردند. در ضمن، همگی گوش به زنگ بودند که اگر خبری از پادشاه موعود که یهودیها او را مسیح میخواندند، کسب کنند، فوراً با او تماس برقرار کنند و این نیروی آماده را برای آغاز مبارزه، در اختیار او قرار دهند. یکی از آن روزها، وقتی بن هور بعد از تمرینی طولانی با مردانش، مشغول استراحت بود، پیکی از راه رسید و نامه‌ای از ملوک برای او آورد. بن هور بلافاصله نامه را خواند. متن آن چنین بود: "چند ماهی است که مردم چیزهای عجیبی درباره مردی تعریف میکنند بنام یحیی که در بیابانها زندگی میکند. او یک نبی است. میگویی که به زودی کسی ظهور خواهد کرد بزرگتر از او که همان پادشاه موعود است. او اکنون دارد مردم را در رود اردن تعمیم میدهد. خوب است که بیایی و خودت از نزدیک قضاوت کنی." بن هور نامه را به هم پیچید و به فکر فرو رفت. آیا چنین چیزی امکان داشت؟ آیا ممکن بود که انتظار او به پایان رسیده باشد؟ آیا لحظه‌هایی ملت او از ظلم خدانشناسان فرار سیده بود؟ راهی وجود نداشت جز رفتن و دیدن. بن هور فوراً نامه‌هایی برای شیخ ایلدریم و سیمونیدس نوشت تا آنها را از جریان آگاه سازد و خود آماده حرکت بسوی رود اردن شد، به محلی که ملوک گفته بود. بن هور و چند تن از یارانش، خسته از رنج سفر، در نقطه‌ای نه دورتر از محلی که ملوک گفته بود، خیمه زده بودند. بن هور نمیوانست حتی لحظه‌ای فکر دیدار نبی‌ای را که منادی پادشاه موعود بود، از سر بیرون کند. اما ورود یکی از یاران او به خیمه، رشته افکار او را پاره کرد. شترسواری به سمت آنان می‌آمد. بن هور به بیرون خیمه شتافت. وقتی شتر نزدیکتر آمد، بن هور توانست بالتازار سالخورده را باز شناسد. او هم خبر نبی بیابانها را شنیده بود و برای دیدن او آمده بود. برای بن هور تصادفی پرسگونتر از این نمیوانست رخ بدهد. بی گمان بالتازار میتوانست بگوید که آیا نبی بیابانها براستی منادی پادشاه موعود هست یا نه. روز بعد، بن هور و بالتازار بسوی بیت‌عبره رهسپار شدند. از پرس و جویی که از افراد محلی بعمل آورده بودند، میدانستند که نبی بیابانها را میتوانند در آنجا بیابند. یافتن نقطه‌ای که نبی موعظه میکرد، کاری ساده بود. جماعت انبوهی که گرد آمده بود، بهترین نشانی بود. بن هور و بالتازار مردی را دیدند با جامه‌ای غیر عادی که از پشم شتر بود. ریش و مویی انبوه داشت، گویی توجهی به ظاهر خود نداشت. چشمان نافذش مردم را تحت تأثیر قرار میداد. نبی بیابانها داخل رودخانه ایستاده بود و مردم را به توبه دعوت میکرد. سپس کسانی را که با دلی شکسته، مشتاق توبه بودند، نزد خود میخواند و آنان را به نشانه شستشوی دل، غسل تعمیم میداد. بن هور و بالتازار ساعتی طولانی

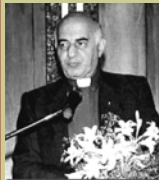


Tel: 818.522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com



آیا میدانید که اگر عیسی مسیح بدنیا نیامده بود، امیدی برای جهان وجود نداشت. عیسی مسیح با آمدنش بر جهان خاکی ما، شادی و امید پر جلالی را به ارمغان آورد. (اول پطرس ۱: ۳-۴) اگر مسیح به این جهان خاکی پا ننگذاشت و برای گناهان ما جان نمداد و سه روز پس از مرگش زنده نمیشد، امروز ما امیدی برای حیات ابدی نداشتیم. در حقیقت میخوردیم، میخوابیدیم، کار میکردیم و میمردیم و همه چیز تمام میشد. این تمام زندگی ما میشد. ولی او با آمدنش برای ما امیدی پر جلال به ارمغان آورد، که حیات جاودانی وجود دارد و ما میتوانیم آن را از هم اکنون تجربه کنیم. بعضی میپرسند آیا کسی از آن دنیا آمده تا بما خبر دهد دنیای دیگری نیز وجود دارد. آمدن مسیح به زمین خاکی ما این مژده را برای همه انسانها دارد که بلی، عیسی مسیح از آسمان به زمین آمد و او بما خبر داد که آسمان وجود دارد و اجر و پاداش ایمانداران با او میباشد.

موفقیت در زندگی زناشویی



نویسنده: دیوید میس
مترجم: ط. میکائیلیان
بخش چهارم

آزمایشها فقط نشان میدهد که این دو نفر تضاد اصولی دارند یا نه. به نظر من تمام کسانی که موضوع زناشویی را جدی میگیرند در دوران آشنائی و آزمایش وجود ندارد. ضمناً کسانی که زناشویی را جدی نمیگیرند اصلاً در فکر انجام آزمایشات فوق الذکر نخواهند بود! پس جوانان چطور میتوانند انتخاب صحیحی انجام دهند؟ براساس تجربه و مطالعاتی که انجام شده چند حقیقت مهم بدست آمده است که ذیلاً به شرح آنها میپردازم: (۱) رشد برای هر دو طرف مهم است. مقصود اصلی من رشد عاطفی است. برای جلوگیری از سوء تفاهم میتوانم بطور ساده بگویم که مقصود از رشد عاطفی عبارتست از این که شما به اندازه کافی رشد پیدا کرده باشید که بتوانید اکثر مردم را درک نمائید و با آنها روابط حسنه برقرار کنید. بعضی از پسران و دختران در سنین نسبتاً کمتری چنین رشدی میکنند. معهداً علی الصلوه به نظر من این رشد برای دختران بعد از بیست سالگی و برای پسران بعد از بیست و دو سالگی حاصل میگردد و به همین دلیل ازدواج قبل از این سن صلاح به نظر نمیرسد. غالب کسانی که زودتر ازدواج میکنند دارای شخصیتی غیر معمولی هستند و برای فرار از کشمکشهای شخصی به فکر ازدواج میافتند. (۲) عامل مهم دوم عبارتست از آشنائی کافی. اغلب ما مطالبی در باره زوجهای شنیده ایم که در تعطیلات تابستان با یکدیگر آشنا شده و سخت عاشق یکدیگر گشته اند و ظرف چند هفته کارشان به ازدواج کشیده و زندگی سعادت مندی دارند. ولی فراموش میکنیم که زوجهای زیاد دیگری بوده اند که به همین طرز ازدواج کردند و دچار بدبختی شدند. ۱۵امه دارد..



فائق آمدن بر عصبانیت و پر خاشگری

شخصی شما را با کلمات بدی مورد خطاب قرار میدهد و شما احساس میکنید عصبانی شده اید. شخصی ناگهان در اتوبان راه شما را سد میکند و شما احساس عصبانیت میکنید. شخصی به دوست شما حمله میکند و شما عصبانی میشوید. اما به راستی چه عاملی سبب میشود شما احساس عصبانیت کنید؟ وجه اشتراک تمام این موقعیتهای چیست؟ عصبانیت در نتیجه عدم کنترل بر عوامل تأثیرگذار بر ارزشهای مهم بوجود میآید. ارزشهایی که در مثالهای بالا از آنها نام برده شده است عبارتند از: غرور، حاضر بودن به موقع در محل، شخصی که دوستش دارید، پول و یا عدالت. همه ما هنگامی که به آنچه میخواهیم و انتظارش را داریم دست پیدا نمیکنیم، احساس آشفتگی و بیقراری میکنیم. ما معمولاً فکر میکنیم با عصبانی شدن میدانیم علت بروز مشکل چیست. ما برای ابراز عصبانیت خود اهدافی داریم. ممکن است این اهداف فردی باشد که شما را مورد انتقاد قرار داده است، فردی که در اتوبان راه شما را سد نموده است، یک فرد مهاجم، کار فرما و رئیس شما و یا حتی خودتان. ممکن است با عصبانیت امید داشته باشیم از طریق تخلیه ناگهانی انرژی بتوانیم خطریا تهدید را خنثی کنیم و یا شاید امیدوار باشیم تخلیه ناگهانی انرژی سدی را که جلوی ما را برای رسیدن به اهدافمان گرفته است، خراب کنیم. گاهی اوقات میتوان از عصبانیت به صورتی سازنده استفاده نمود. اگر ما مورد حمله قرار بگیریم عصبانیت میتواند انرژی مورد نیاز ما را برای جنگیدن و مقابله به مثل نمودن تأمین کند. اما در بسیاری از موقعیتهای عصبانیت سبب غبار آلود شدن قضاوتهای ما نسبت به دیگران و نیز بوجود آمدن استرس میشود. اگر عصبانیت باعث بیشتر کردن رفتارهای پر خاشگرانه ما نسبت به دیگران شود، میتواند به صورت دائمی به روابط ما با کسانی که دوستان داریم آسیب برساند. عصبانیت ملایم و تکرار شونده که مدت زمان زیادی به طول بینجامد، سبب بروز مشکلات قلبی و حتی حملات قلبی میشود.

آیا میدانستید که اگر همه یخهای قطب جنوب آب شود بر سطح آب اقیانوسها هفتاد متر اضافه میشود و در این صورت یک چهارم خشکیهای کره زمین زیر آب میروند.



خداوند، من اعتراف میکنم گناهکار هستم. ایمان دارم که عیسی مسیح بخاطر گناهان من بر روی صلیب، جان خود را فدا نمود و بوسیله رستخیز از مردگان و ثلثه بر مرگ، مرا در حضور تو عادل ساخت. من اکنون او را بعنوان نجات دهنده در قلب خود میپذیرم.
آمین



دعای برای صلح و ایمنی، آفتور که به مادر ترسا اهام شد

مرا از مرگ به زندگی هدایت کن، و از دروغ به حقیقت.
مرا از یاس به امید هدایت کن، و از ترس و بیم به اعتماد.
مرا از تنفر به عشق هدایت کن، و از جنگ به صلح.
صلح را فراوان کن در قلبمان، عالم و دنیایمان!
صلح، صلح، صلح!

ماهنامه تبدیل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا
با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود، ما را در حفظ ماهنامه تبدیل یاری نمائید.
The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking world.

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$24 for one year

Name _____
Address _____
City _____ State _____
Zip _____
Phone () _____

Please clip and return with payment to:
Iran for Christ ministries
P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA
Tabdil@iranforchrist.com
TEL: 818. 522. 1525
<http://www.iranforchrist.com/Tabdil.htm>



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

هر شخصی که واقعاً با عیسی مسیح آشنا شود، میفهمد که او دارای مقامی بالاتر از دیگران است. اسامی او نیزینا کننده همین مطلب است؛ زیرا بسیاری از مردم او را روح الله (یعنی روح خدا) میگویند و بدیهه کلمه خدا نیزینا نامیده شده است. ولی لقبی که بیشتر در انجیل به او داده شده پسر خدا/ میاشد. قبل از تولد مسیح، جبرائیل فرشته به مریم مادر عیسی فرمود: او پسر خدا خوانده خواهد شد. خدا روح است و عیسی هم پسر روحانی خدا است. عیسی اکثر اوقات پدر من خطاب مینمود و دو مرتبه نیز خدا از آسمان عیسی را پسر من خطاب کرد. وقتی یکی از شاگردانش از مسیح خواست که پدر آسمانی را به او نشان دهد، جواب داد: ای فیلیس، در این مدت طولانی من با شما بوده‌ام و توهنوز مرا شناخته‌ای؟ هر که مرادید پدر را دیده است. پس چگونه میگویید پدر را به ما نشان بده؟ آیا باور نمیکنی که من در پدر هستم و پدر در من است...؟ (یوحنا فصل ۱۴ آیات ۱۰ و ۱۱). در جای دیگر مسیح فرمود: من و پدر یک هستیم. هیچکدام از پیامبران هرگز چنین ادعایی نکرده است.

ادامه از صفحه ۶. کمک به گروه‌های اجتماعی، کلیساها، و سازمانهای خیریه در پخش غذای مرسوم عید شکرگزاری در میان مردم محتاج داوطلب میشوند. یک نکته تقریباً نامربوط دیگر اینکه، در قرن بیستم روز بعد از عید روزی است که خریدهای ماهیانه‌ها آغاز میشوند. طی سالهای رکود بزرگ، سالهای ۱۹۳۰، روز عید شکرگزاری به چهارمین پنجشنبه ماه نوامبر جابجا شد، که در برخی از سالها تعداد روزهای خرید را بیشتر میکند. با اینکه تاریخ چهارمین پنجشنبه ماه نوامبر در هر سال تغییر میکند، رئیس جمهور آرتور روز جشن رسمی کشور اعلام میکند.

نمادهای عید شکرگزاری

بوقلمون، ذرت (بال)، کدو تنبل، و سس قره قاط نمادهایی هستند که حاکی از اولین عید شکرگزاری میباشند. این نمادها معمولاً در تزئینات و کارتهای تبریک این عید نمایش داده میشوند؛ به خصوص ذرت، نماد رهایی و نجات مهاجرین از مرگ است. ذرت، بالبال، که از آن جهت تزئین میز یا درب ورودی منزل استفاده میشود، نماد برداشت محصول و فصل پاییز هستند. سس ترش و شیرین قره قاط، یا زله قره قاط، روی اولین میز عید شکرگزاری نهاده شد و امروز نیز در سفره غذا قرار داده میشود. قره قاط یک توت کوچک و ترش است. قره قاط در باتلاقها یا زمینهای بسیار نمادار در ایالت ماساچوست و دیگر ایالتهای نیوانگلند رشد میکنند. سرخپوشها از میوه این گیاه برای درمان عفونتها و از عصاره آن جهت رنگ کردن پتو و فرشهای خود استفاده میکردند. آنها به مهاجرین یاد دادند که چگونه میوه آن را با شیرین کننده و کمی آب برای درست کردن سس قره قاط بپزند. سرخپوشها به این سس ایبیمی میگفتند که معنی آن "توت تلخ" است. مهاجرین اسم "توت گردن خمیده" را ترجیح دادند زیرا گلهای این گیاه باعث کج شدن ساقه گیاه میشود و آن را شبیه درنای گردن خمیده میکند. این نوع توت هنوز در نیوانگلند رشد میکند. در سال ۱۹۸۸، عید شکرگزاری نسبتاً متفاوتی در کلیسای جامع سنت جان مقدس در شهر نیویورک برگزار شد. درین پیش از چهارهزار نفری که در کلیسا جمع شده بودند، بومیهای امریکا نیز به نمایندگی از قبایل سرخپوشی از سرتاسر کشور و نوادگان مهاجرین بعدی حضور داشتند. این مراسم نقش بومیهای امریکارا در اولین عید شکرگزاری امریکارا اعلام و از آن قدر دانی کرد- این ضیافتی است که جهت تشکر از سرخپوشها برای سهم شدن دانش و مهارتهای خود با مهاجرین اولیه، که بدون آنها زنده نمیماندند، برگزار میشود.



شواهدی از خود کتاب

ظاهر فیزیکی نسخه خطی انجیل برنابا که امروز در دسترس است، با توجه به نحوه صحافی و سبک نگارش و واژگان، حاکی از آن است که بین سالهای ۱۵۰ تا ۱۵۹۰ م. نوشته شده است. نخست به شواهد داخلی متن میردازیم. خدا در تورات به بنی اسرائیل امر کرد که سال یوبیل را نگاه دارند: "این سال پنجاهم برای شما سال یوبیل خواهد بود." اما انجیل برنابا به هنگام اشاره به سال یوبیل، برای آن فواصل صدساله قائل میشود (برنابا، فصل ۸۲). نویسنده این رقم را از کجا آورده است؟ در حدود سال ۱۳۰۰، پاپ بونیفاس هشتم برای کلیسا فواصل زمانی یکصدساله را تعیین کرد. در سال ۱۳۴۳ م. پاپ کلمنت ششم آن را مجدداً به پنجاه سال تقلیل داد و بعداً پاپ پل دوم (۱۴۶۴-۱۴۷۱ م.) آن را به بیست و پنج سال کاهش داد. به نظر میرسد که نویسنده چیزی در باره حکم پاپ میدانسته، اما تصور میکرده که آن را عیسی مقرر کرده است. این ما را به این نتیجه میرساند که این انجیل نمیتوانسته زودتر از سال ۱۳۰۰ م. نوشته شده باشد. چندین نقل قول از داتنه یافت میشود که در این انجیل به عیسی نسبت داده شده است. برای مثال، اصطلاح مورد استفاده داتنه، یعنی "خدایان دروغین و دروغگو"، در فصلهای ۱۱۷، ۷۸، ۲۳ این انجیل به کار رفته که نه در کتاب مقدس استفاده شده و نه در قرآن، اما در این انجیل یافت میشود. توصیف جهنم در این انجیل به گونه‌ای چشمگیر شباهت به تخیلات داتنه درباره جهنم و برزخ و بهشت دارد. در فصل ۱۱۷ این انجیل آمده که "نه آسمان وجود دارد که باز ما را به یاد داتنه میاندازد. شایان ذکر است که داتنه یک نویسنده ایتالیایی بود که در دوره بونیفاس هشتم زندگی میکرد. او نوشتن "کمدی الهی" معروف خود را به سال ۱۳۰۰ م. آغاز کرد. در این انجیل عناصر دیگری متعلق به قرون وسطی یافت میشود.

در فصل ۱۹۴ گفته میشود که خانواده ایلعازر ارباب یا حاکم دو شهرک بودند، مجدله و بیت عنیا. در آن روزگار، سرزمین فلسطین را رومیها تحت اشغال داشتند، لذا سیستمی تحت عنوان "حاکم" وجود نداشت. این اشاره حاکی از نظام فئودالی است که در قرون وسطی متداول بود. اشاره به بشکه شراب در فصل ۱۵۲ یک اشتباه تاریخی است. روشهای متداول در دادگاهها که در فصل ۱۲۱ مورد اشاره قرار گرفته، ایجاب میکنند که نویسنده با جامعه قرون وسطی آشنا بوده باشد. در پرتو شواهد مذکور و بسیاری دیگر که در اینجا ذکر نشده، چه شواهد خارجی و چه داخلی، میتوان مشاهده کرد که این انجیل مبیاست به دست کسی نوشته شده باشد که قرن‌ها بعد از برنابای مذکور در عهد جدید می زیسته است.

ادامه دارد...

واتیکان، کوچکترین کشور جهان

- کوچکترین کشور مستقل جهان- در سال ۱۹۲۹ طبق عهدنامه لاترن تأسیس شد این عهدنامه بین دولت ایتالیا و بیسی-دفتر پاپ بالاترین قدرت کلیسای کاتولیک رم- پس از سالها مجادله بسته شد در سال ۱۹۸۴ با کمپروا پیمان پاپ و دولت- پیمان جدیدی جایگزین شد این عهدنامه جدیدمانند عهد نامه قلبی، استقلال کامل واتیکان را در داخل این شهر به رسمیت میثناسد این شهر در واتیکان هیل در شمال غربی شهر رم، درست در غرب رودخانه تیر قرار دارد این شهر توسط دیوارهای مربوط به قرون وسطایی و رنسانس احاطه شده است و ۶ دروازه دارد تعدادی از معروفترین هنرمندان و معماران دوره رنسانس ایتالیا برای ساختن بناهای واتیکان توسط پاپ بکار گماشته شده بودند مهمترین و حیرت انگیزترین عمارت تالار اجتماعات سنت پیتز است این عمارت بعنوان مرکز جهانی عبادت کاتولیکای رم بین قرنها ۱۵ و ۱۷ توسط معماران بزرگی مانند بارمات، میچلانکو و جیان لورنزو برنینی طراحی شده است در مقابل تالار اجتماعات میدان بزرگ سنت پیتز قرار دارد عمارت بزرگ دیگر، قصر واتیکان معروف به قصر پاپ است یک مجموعه ساختمان که ۱۰۰۰ اتاق و خانه، آبار تمانهای پاپ، دفاتر حکومت کلیسای کاتولیک رم، چندین معبد و کتابخانه دارد موزه های واتیکان بسیار برجسته و چشمگیر هستند و عبار تنداز موزه گریگوریان از هنر مصر، موزه گریگوریان از هنر اتروسکان، موزه با یوکلمنتو با یک مجموعه بی نظیر از آثار باستانی، موزه چاریرا موتنی و موزه پیناکوتیکا با آثار نمونه ای از استادان ایتالیایی. کتابخانه واتیکان دارای یک مجموعه با ارزش از کتابهای خطی قدیمی و بیش از یک میلیون جلد کتاب است.

Ambassadors of Christ Persian Church

English Service
Sundays: 1pm

Farsi Service
Sunday: 3:30pm

21300 Califa St,
Woodland Hills CA 91367

TEL: 818.522.1525

قشقایها

بیشتر ایل قشقای در استان فارس ساکن هستند. بسیاری از آنها هنوز بصورت سیار در فصول مختلف سال از بیلاق به قشلاق کوچ میکنند. قشقایها همچون بسیاری دیگر از اقلیتهای نژادی، ترک تبار هستند. اینان قومی دلیرند که شکست دادن و تسلی کردنشان کار یست بسیار مشکل.



Tel: 818. 522.1525
Tabdli@IRANforCHRIST.com

پيشگويي درباره عيلاام (ايران فعلی)

اين را هرگز فراموش نکنيم که تمام آنچه که برای و در ايران روی داده و ميدهد تماماً در کنترل و طرح الهي خدا قرار داشته و دارد. اين خداوند است که صاحب هست و نيست و مالک هستی و تمام آنچه که در اوست، ميباشد. او ميزايند و ميميراند. ميسازد و خراب ميکند. قوت ميدهد و ضعيف ميسازد. تمام هستی

در بي جلال دادن و شناساندن نام و قوت و قدرت اوست. اما خداوند روح است. او چگونه ميتواند خواسته ها و اوامر خود را برای انسان تعيين سازد؟ چگونه ميتواند به انسان جسماني بگويد که از او چه ميخواهد؟ پاسخ اين است که خداوند توسط انسان اما بوساطه روح خود گفتگو کرده و ميکند. با هر انساني؟ بله، با هر انساني! اما آنجا که به پياده کردن طرح الهي و اوامر عظيم او منجر ميگردد انسانهاي چند و شايسته بر گزيده ميشوند تا از طريق آنان اين امر خطير و غير ممکن به پيش برده شود. مثلاً: انتخاب قرباني هاييل بجای هد به قاتن بعنوان انگيزه آمدن مسيح موعود. انتخاب نوح برای ساختن کشتی و نجات دادن نسل انسان از نابودی مطلق. انتخاب ابراهيم برای ايجاد نسلی بر گزيده و خداپرست. انتخاب اسحاق بجای اسماعيل برای تکميل طرح آمدن مسيح موعود.



انتخاب يوسف برای نشان دادن قدرت عظيم خدا در انجام وعده های خود و نشان دادن قدرت خود به بيگانگان و ييروزی بلانمازخ خدای توانمند. انتخاب موسی برای رهبری قوم به بيرون آوردن از مصر و دادن شريعت به او... سراسر کتاب مقدس مسیحي ما پر است از اين انسانها و ماجراهای ايمان آنان. آنها با ما از خدا گفتگو کردند. از خدا برای ما پیام آوردند. و آنها برای درس عبرت من و شما ثبت گشت تا ما بخوانيم و به آن ايمان بياوريم. یکی از شيوه های گفتگوی خدا و شناخت قدرت و توانمندی خدا بر هستی صاحب وقت و زمان بودن اوست. او در عين واحد که اينجاست اينجا نيست. در عين حالی که در امروز است در فردا نيز هست. و از آنجا که انسان قادر به ديدن و دانستن از فردا نيست و نخواهد بود، خدا توسط آن انسانهای برگزيده فردا را برای رساندن پیام خود برای انسان پيشگويي نمود. تا شايد آدمی آن را بخواند و از آن پیام خود را اشتباهات خود را تصحيح کرده، به گناهان خود اعتراف کرده، راه حيات راستين را برگزيده، خدا را انتخاب کرده، او را پادشاه قلب خود دانسته و نهايتاً بهشت را صاحب شده و در حضور خالق خود تا به ابد در صلح و آرامش جاودان زندگی کند.



بیماری دروغگویی

اگر بخواهيم واقع بين باشيم، بايد اعتراف کنیم که همه دروغ ميگویند. ميزان "شاخداري" اين دروغها و مصلحتی بودن و نبودن آنها در ميان افراد مختلف و موقعيتهاي متفاوت، فرق ميکند، اما شکی نيست که همه ما گاهی دروغ گفته يا حقيقت را با جرح و تعديل بيان ميکنيم. انسان دروغ گفتن را از سن ۴ تا ۵ سال مياموزد. اين زمانی است که او برای اولين بار متوجه ميشود که حقيقت، از نظر همه یکسان نيست. کودک در اين دوره به قدرت بيان و توانايی کلمات پی ميرسد و از کلمات برای بيان خواسته ها، احساسات و گاهی دروغ گفتن استفاده ميکند. اين دروغهای اوليه از روی خباثت و بد انديشی نيست، بلکه او ميخواهد بيند که توانايی در تغيير و اداره موقعيت تا چه حد است. بالاخره زمانی ميرسد که کودکان برای فرار از موقعيتهاي ناگوار و در دسرهای شيطنت خود و يا برای بدست آوردن آنچه ميخواهند به دروغ گفتن متوسل ميشوند. در واقع، دروغگویی از نظر علمي یک روند تکاملی و لازم برای بقای گونه هاست دروغگویی در گوريلهايی که برای برقراری ارتباط از زبان اشاره استفاده ميکنند هم ديده ميشود، آنها در تقصير را به گردن حيوان ديگری



منشاء پيدايش نامهای کوروش و داريوش

اگر کوروش و داريوش پادشاه نبودند و ضرورت موقعيتشان ايجاب نمیکرد که در کيسه های دوره هخامنشی باحالت نهادی و فاعلی از آنها ياد شود، شايد امروز زبان فارسی نامهای کوروش و داريوش وجود نداشت و به جای آنها اسمای داريوم و کوريوم با داريوم کوروم داشتيم. یکی از ویژگیهای دستوری زبان فارسی باستان اين است که اسمها نيز صرف ميشده اند. همچنانکه امروزه ما فعل را صرف ميکنيم به اين ترتيب، اگر اسمی در نقش فاعلی / نهادی يا مفعولی يا اضافی قرار ميگرفت، شناسه های مختلفي ميپذيرفت. اين شناسه ها در مورد اسمهايی که به u يا a يا x يا m ميشدند، نيز متفاوت بودند. داريوم و کوروم اسمهايی بودند که به u ختم ميشدند.

اينگونه اسمها وقتی در حالت فاعلی / نهادی قرار ميگرفتند، شناسه ش، در حالت مفعولی شناسه م و در حالت اضافی شناسه نوش ميگرفتند. اين توضیحات، داريوش و کوروش صورتهای فاعلی / نهادی اسمهای داريوم و کوروم هستند. اما از آنجا که در کيسه های خود ييش در حالت نهادی و فاعلی قرار گرفته اند و يا انجام دهنده کاری بوده اند، اين ضرورت با شناسه ش ييش در کيسه های هخامنشی بکار رفته و به همین صورت به فارسی امروز رسیده است. امروزه اقتدر نامهای کوروش و داريوش برای ما جا افتاده است که با شنيدن آنها نميتوانيم تصور کنیم اصل اين نامها صورت ديگری داشته و در واقع، اگر به همان صورت به فارسی امروز ميرسيد، اکنون بايد بجای آنها کوروم و داريوم را بکار ميبردیم و اقيمت اين است که کوروم از صورت فارسی باستان و داريوم از صورت فارسی باستان اسمی اصلی اين دو پادشاه هخامنشی بودند. در مورد معنای نام کوروم هنوز اشتقاق دقيقی ارايه نشده است. اما داريوم از دو بخش تشکيل شده بود که داريه به معنی نگهبان رنجه و رهرو به معنی نيکی است. جمعاً اين اسم نگهبان رنجه و حافظ نيکی معنا ميدهد.

کتاب مقدس درباره خود ار ضائی چه ميگويد؟

گردآوری از دانيال خرسند
بخش سوم

چگونه خدا ميتواند هم در ما گرايشات جنسی خلق کند و هم انتظار داشته باشد که مقدس زندگی کنیم؟ خداوند هرگز از ما انتظار کاری غير ممکن ندارد. اگر او از ما ميخواهد که از لحاظ جنسی مقدس زندگی کنیم، ما را نيز تجهيز ميکند تا بر وسوسه های جنسی غالب شويم. لازم به يادآوری است که وسوسه شدن بخودی خود گناه محسوب نمی شود. وسوسه های جنسی همانند خوردن و نوشيدن اگر به شکلی صحيح (چهارچوب ازدواج) ارضا شوند، شادی مضاعفی را به ارمان مياورند.

کنترل و وسوسه ها همانند قائل شدن قانون برای هر بازی است. قانون به جذابيت بازی می افزايد اما هرج و مرج شادی بازی را از بين می برد. خداوند در پی آن است که ما بالاترين شادی را از گرايشات جنسی خود کسب کنیم، به همین دليل بايد آنها را تحت کنترل در آوريم.

شاید بگوئيد از لحاظ تئوری با گفته های شما موافقم، اما عملاً چگونه می توانم آنها را به اجرا در آورم؟ به اجرا در آوردن فرامين الهي تنها به مدد روح خدا امکان پذير است. از ياد نبريم که عیسی مسیح نيز با قدرت روح خدا موفق شد تا بر وسوسه ها غلبه کند. بايد اذعان داشت که خداوند هرگز شخص را وسوسه نمی کند. خداوند ياور ما در غلبه بر وسوسه هاست و نه وسوسه کننده ما. لطفاً آیات زیر بر پيرامون مددالهی در مواجه شدن با وسوسه ها مطالعه کنید.

(يعقوب ۱: ۱۲-۱۴، اول قرنتيان ۱۰: ۱۳، دوم قرنتيان ۱۰: ۳-۵، روميان ۱۱: ۱۶-۱۴، عبران ۱۵: ۱۴-۱۶، دوم قرنتيان ۱: ۷).



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

مقایسه کتاب مقدس با سایر کتب نویسنده: دکتر ش. داوید پیرا

۱- هرودت کتاب تاریخ خود را در فاصله سالهای ۴۲۵-۴۸۰ قبل از میلاد نوشته است. ولی قدیمی ترین نسخه موجود کتاب مزبور متعلق به ۹۰۰ م است، در واقع در این مورد فاصله زمانی بین اولین نسخه نوشته شده و قدیمی ترین نسخه موجود در جهان حداقل در حدود ۱۳۰۰ سال می باشد ۲- ارسطو آثار خود را در سالهای ۳۳۲ تا ۳۸۴ ق. م نوشت که قدیمی ترین نسخه موجود از آثار او متعلق به سال ۱۱۰۰ میلادی است. به این ترتیب حدوداً ۱۴۰۰ سال اختلاف زمانی بین نوشته شدن نسخه اصلی و قدیمی ترین نسخه موجود وجود دارد ۳- کتاب جنگهای گالی ژولیوس سزار بین سالهای ۵۰ تا ۵۸ ق. م نوشته شد، امروزه فقط ۹ یا ۱۰ نسخه خطی از آن باقی است که قدیمی ترین آن متعلق به ۹۰۰ سال بعد از زمان سزار می باشد ۴- از ۱۴۲ کتابی که در مورد تاریخ روم توسط در فاصله سالهای ۵۹ ق. م تا ۱۷ م نگاشته شده است فقط ۳۵ نسخه آن باقی است، که قدمت فقط یکی از آنها به قرن ۴ م میرسد ۵- از ۱۴ کتابی که به نام تاریخ تاسیتوس ۱۰۰ سال شناخته شده است فقط ۴ عدد آن باقی مانده، قدیمی ترین آنها متعلق به قرن ۹ م می باشد. کتابهای دیگر متعلق به قرن ۱۰ م می باشند، فاصله زمانی بین نسخه ۱۰۰ ساله ۶- از کتاب توسیید ۴۰۰-۴۶۰ ق. م فقط ۸ نمونه آن در دست موجود است که قدیمی ترین آنها متعلق به سال ۹۰۰ میلادی است و فاصله زمانی بین نسخه اصلی و قدیمی ترین نسخه موجود ۱۰۰۰ سال می باشد



کلرگودان، لوران بوتونا موسیقی، لوران بوتونا مدیو فیلمبرداری، الویه کوکو، تدوین: استن کوله طراح صحنه، کریستین مارتی، بلژیگان، گسبار اولیبا ژاکو، ماری ژوزه کروزا مادر ژاکو، آلبر دوپیتل پدر ژاکو، ژوسلن کوئیرونا کت ناساک، چکی کاریو [شوالیه، مالک زمینی توفرا، الویه گورمه کشیش]، یویانا پانچ گالیو، ژودیت دیویس الیا، ۱۴۰ دقیقه محصول ۲۰۰۷ فرانسه

سال ۱۸۵۰، ژاکو پرسی ۹ ساله و تیزهوش زندگی شادمانه ای با والدین فقیرش دارد، کسانیکه در املاک کنت ناساک مورد استثمار قرار دارند. اما بزودی رفتار کنت بیرحم باعث میشود تا ابتدا



پدر ژاکو زندانی و بعد کشته شود و سپس مادرش بر اثر بیخانمانی و سرما بمیرد. تا این که شبی زمستانی کشیشی روستایی ژاکوی برهنه و در حال یخ زدن را یافته و به خانه خود میبرد. ژاکو نزد کشیش مانده و بعنوان دستیار وی خدمت میکند. شوالیه نجیب زاده ای از دوستان کشیش نیز به او نظر لطف دارد. سالها بعد، ژاکو که جوانی ۲۰ ساله شده، مصمم است تا از کنت ناساک انتقام بگیرد. اما در این فاصله دل به دوست دوران کودکی اش لینا نیز باخته و همه او را به دوری از کنت تشویق میکنند. اما بازگشت ناگهانی کنت و دخترش گالیو در روز مسابقه رقص سالیانه به آتش اختلافات دامن میزند. گالیو که در کودکی توسط

ژاکو از مرگ نجات یافته، قصد دارد دل وی را تصاحب کند. اما ژاکو او را از خود میراند و کنت نیز در مسابقه رقص از او شکست میخورد. اما شادمانی آنها دیری نمیپاید، چون عمال کنت ژاکو را زدیده و در چاه قصر میافکنند. شوالیه حکم تفتیش خانه کنت را میگیرد، اما جستجوها بیفایده است. سرانجام ژاکو موفق میشود به سختی خود را از چاه بالا کشیده و از انبار اسلحه قصر سر در آورد. حال هدف او شوراندن دقانان علیه کنت ظالم و گرفتن انتقام است. شورشیان پیروز شده و قصر کنت به آتش کشیده میشود. اما این کار به منزله درگیری شورشیان با قانون و دیوانیان است. ژاکو و دوستانش دستگیر میشوند و به نظر میرسد پایانی تلخ همچون پدر ژاکو در انتظارشان است. اما گالیو دختر کنت در دادگاه حاضر شده و بر ظلم پدرش، همچنین نجات خود به دست ژاکو در جریان شورش صحنه میگذارد. بعد از محاکمه گالیو کشور را ترک میکند و ژاکو به همراه عرووش لینا زندگی تازه ای را در روستای بدون ارباب آغاز میکنند. ژاکوی جذاب یک داستان با تمامی ویژگیهای یک فیلم پرماجرا از نبرد میان روستایی تهیدست و ارباب ظالم است که مثلثی عشقی نیز به آن افزوده شده و همچون تابلویی از رنگ و موسیقی پرداخته شده است. فیلم بر اساس رمان مشهور و پرفروش اوژن له رو ساخته شده که در سال ۱۹۶۹ دستمایه ساخت مینی سریالی موفق بوده، اما فیلم بوتونا عملاً محصولی دو پاره است. یکساعت اول فیلم که دوران کودکی ژاکو را به تصویر میکشد عملاً جذابتر و پرکشش تر از نیمه دوم آن است که اعمال قهرمانانه و مثلث عشقی ژاکو-لینا-گالیو و درگیریهای آنان را نشان میدهد. اما نقطه قوتهای فیلم: طراحی صحنه و لباس، موسیقی، بازی لئولوگران در نقش کودکی ژاکو، تدوین و فیلمبرداری زیبای آن است.

منجی من عیسی تویی
با تو کنم من زندگی
بی تو نباشم لحظه ای
تو رهنما و رهبری
جان مرا تو ایمنی
دیگر نباشدم غمی
جز تو ندارم همدمی
آرامش جان منی
افزون شده ایمان من
تو سایه و سامان من
تو دارو و درمان من
تو شمع و شیان من
تو دور نشو از جان من
با من بمان، پیمان من



نویسنده: ماهانه آشوری-کللی
روزی صوفیان گرد هم
آمدند تا از یکی از
برادران تمجید کنند،
سپس او را پرسیدند:
استاد تو کیست؟
میخواهم برای تجلیش

نام او را بر سنگ سر در خنقاه حک کنیم برادر گفت:
استاد من یک سگ بود! با این جواب صوفیان غرق
حیرت و ناباوری گشتند. آن برادر ادامه داد و گفت:
راست میگویم، استاد من یک سگ بود چنین شد که
روزی کمی دورتر از چشمه نشسته بودند سگ تشنه ای
نزد چشمه آمد تا آب بنوشد، اما با خم کردن سرش،
تصویر خود را در آب زلال چشمه دید و باترس فراوان
از آن گریخت. به مرور که تشنگی او بیشتر و بیشتر میشد،
هر بار به طرف چشمه میآمد و همان اتفاق تکرار میشد
تا بالاخره تاب مقاومت خود را از دست داد و ناگهان
در آب پرید بدون آنکه نگاه کرده باشد آنوقت فهمید
که تا زمانی که خودم را در نظر دارم هرگز نمیتوانم در
خلاوند تشنگی ام را رفع سازم



Ingredients Serves 8-10
6 cups roasted, sweet potatoes
(approximately 5-6 potatoes)
½ cup brown sugar, packed
¼ cup melted butter
1 tablespoon undiluted orange juice
1 teaspoon salt
½ teaspoon freshly ground black pepper
4 cups mini marshmallows



Directions: Pre-heat oven to:400° for roasting the sweet potatoes 350° for heating the casserole Place the sweet potatoes on a baking sheet and pierce each several times with a knife or fork. This allows the steam to escape. Set the baking sheet on the middle rack of your oven. Roast the sweet potatoes for 45 minutes to 1 hour depending on size or until a knife inserted in the center moves easily through the sweet potato. Cool to room temperature. Remove the skins and mash the sweet potatoes in a food processor, electric mixer, or ricer. Place the mashed sweet potatoes, brown sugar, melted butter, orange concentrate, salt, and pepper into a food processor or electric mixer and combine. Taste and adjust the seasonings as needed. Spread the mixture into a 9x13x2 ovenproof glass baking dish and top with the mini marshmallows. Reduce the oven temperature to 350°. Bake for 30-35 minutes, or until the marshmallows melt and turn golden brown.

Preparation time:
Roasting approximately 45-60 minutes; Plus 1 hour preparation baking, and down time.



از شما دعوت میکنم تا از وب سایتی ما دیدن فرمایید

www.IRANforChrist.com
www.SimaMasih.com

THE Change

Magazine

A Brief History of Christianity in IRAN

By: Massoume Price,

The Crusades made the situation worse for the Christians in general. Local Christians were caught between two equally hostile forces during the twelfth and thirteenth centuries. Muslims came to hate all Christians in the Muslim world, while Latin Christians despised the Eastern Christians as heretics. During the Crusades, Latin Christians came to control the Holy Land, but prevented the local Christians from going on pilgrimage to the Holy Land. Sadi the grand master of Persian prose and poetry was at one point taken a prisoner during the Crusade wars and ended up as a slave/war captive. A friend who bought him and then forced him to marry his daughter rescued him. Sadi complains a lot about this woman in his writings.

In 1258 the Moguls conquered Baghdad the center of the Muslim Empire. This change was for a time favorable to Christianity, as the rulers openly declared themselves Christians or were partial to Christianity. However under latter Mongol rulers and also due to Tamerlain's (Taymur) invasion of Persia many churches along with mosques were destroyed and thousands of Christians and Muslims were killed. The early Mogul rulers before embracing Islam were

a lot more tolerant towards all religions and employed many Christians including a Chinese Nestorian, Yabh-alaha III, who eventually became the Catholicos of the Syrian Church in 1281. The new Patriarch was a native of Western China; he ruled the Church through a stormy period of seven reigns of Mogul kings. He had the joy of baptizing some of them and there were many Christian women, wives and children of the Khans in the royal court, and for a time he hoped that they would form an alliance with the Christians of Europe against the Muslims. The conversion of the Mogul rulers into Islam ended such expectations.

Some of the Il-Khan leaders were also favorable towards Christians. One of the leaders Arghun in late 13th century in his wars against Mamluk rulers of Egypt sought a military alliance with Christian West. In 1285 he sent a letter to Rome and later an emissary to Pope along with a Nestorian Christian called Isa Kelemechi to start negotiations. How the Christians were treated depended on the politics of the day. The scholar Ibn Taghribirdi praises the last Il-Khan ruler, Abu Said for demolishing Christian Churches. This was partly due to the establishment of the first archbishopric of Sultaniyeh by Pope John XII. Francis of Perugia was the first archbishop and was succeeded in 1323 by William Adam, who amongst other duties protected the Christian Armenians against their Muslim neighbors.

During the last five centuries Christianity in Iran has been a tolerated but oppressed and despised faith.

From the invasions of Tamerlaine until the accession of Shah Abbas, the Safavid ruler (1582), a period of two hundred years, its history is almost a blank. In 1603 some Armenian chiefs appealed to Shah Abbas for protection against the Ottoman Turks. The Shah invaded Armenia and devastated the area to stop Ottomans from gaining access to provisions. Armenians were driven before the Persian soldiery to the banks of the Aras River, near Julfa. Their cities and villages were depopulated and were allocated in forced settlements. Convents were plundered, and their inmates driven out. Thousands of captives were forced to cross the Aras without proper transports. Thousands died and two Armenian chiefs were beheaded to hasten the progress and their beautiful women were carried off to Persian harems. Only around 5000 made it to Julfa in Isfahan, where they were granted protection and privileges such as the freedom to practice their faith in their own segregated neighborhoods. TO BE CONTINUED...

BREAKING NEWS

Persecution against Christians increasing in Iran
Allie Martin
OneNewsNow.com



A spokesman with Voice of the Martyrs (VOM) Confirms a new wave of persecution against Christians in Iran.

VOM sources say the persecution in Iran is against Christians who meet to worship in house churches. Reports say several believers have been interrogated, and one house was stormed by a police team. VOM spokesman Todd Nettleton says it is not known what prompted the police action.

"One of the places where they raided, they confiscated a computer and some Christian materials, Christian printed materials, and some CDs that were there," he explains. "We don't know what has brought this on. [But] we do know that our brothers and sisters in Iran need our prayers."

Nettleton believes that the Iranian government is alarmed at the growth of the Christian faith there.



"The exciting thing to know about the story, though, is that the church is growing in Iran," he shares. "And that may be what's gotten the attention of the government, the fact that so many people are coming to Christ, the church is growing at a phenomenal rate -- and that, obviously, is making the government nervous."

Nettleton says believers everywhere should pray for Christians in Iran.

The Change Magazine

Tabdil@iranforchrist.com
www.IRANforChrist.com

TEL: 818. 522. 1525

P. O. Box 371043
Reseda, CA 91337 USA

Kids only

Halloween started with the Ancient Celts. All Hallows Eve (which became the word Halloween) WAS the last day of their year. They believed November 1st (All Saints Day) was the start of the New Year and because it was Winter, it was the darkest time of the year. On this one night, October 31st, they believed spirits, ghosts, goblins and fairies came down from the hills into the towns. Some people believed if you left "treats" on the front porch for the spirits and ghosts, this would make them happy and they would not hurt you. There are many other stories about how Halloween got started.

Halloween

